

بازتاب نهضت اسلامی امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی در بندرانزلی (۱) (۱۳۵۷-۱۳۴۰ ه.ش)

یوسف سیف‌زاد^۱

اسحاق اثری^۲

قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفِرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا^۳

مقدمه

انقلاب یک پدیده دفعی و ابتدایی نیست؛ بلکه ریشه‌ها، انگیزه‌ها، زمینه‌ها و جهت‌گیری‌های خود را دارد. از قوانین و علل ویژه‌ای پیروی می‌کند و دلایل شکل‌گیری خاصی دارد. به همین جهت نمی‌توان هر گونه اصلاح، دگرگونی و تغییر وضعیتی را انقلاب دانست. شاید تعریف استاد شهید مرتضی مطهری از انقلاب به باورها و اعتقادات اسلامی ما از دگرگونی‌های اجتماعی نزدیک‌تر باشد. ایشان می‌نویسد: «انقلاب، عبارت است از طغیان

۱. کارشناس ارشد علوم سیاسی

۲. کارشناس ارشد علوم سیاسی

۳. این آیه سرلوحه پیام تاریخی حضرت امام (ره) در ۱۳۲۳/۲/۱۵ بوده است. این پیام، یکی از تاریخی‌ترین اسناد مبارزاتی امام خمینی به شمار می‌آید و اصل نسخه خطی آن در کتابخانه وزیری یزد نگهداری می‌شود: «ای رسول، بگو به امت، که من به یک سخن شما را پند می‌دهم؛ و آن سخن این است که شما خالص برای خدا، دو نفر، دو نفر با هم یا هر یک تنها، قیام کنید». (قرآن کریم، سوره سبا، آیه ۴۶)



و عصبانی که مردم علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد وضع و نظمی مطلوب انجام می‌دهند؛ یعنی انقلاب از مقوله عصبان و طغیان است علیه وضع حاکم برای ایجاد وضعی بهتر. پس ریشه‌های انقلاب دو چیز است: یکی نارضایتی و خشم از وضع موجود و دیگر آرمان یک وضع مطلوب^۱ بر این اساس محدود کردن انقلاب اسلامی ایران به نظریه‌های رایج و انحصار آن به «انقلابی آزادی‌بخش» یا «انقلابی اجتماعی»، «انقلابی اقتصادی» یا «انقلابی به واسطه رویارویی سنت با مدرنیته» و... هیچ‌گاه مطلوب نظر نخواهد بود.

انقلاب اسلامی ایران که با هدایت و رهبری حضرت امام (ره) شکل گرفته، منحصر به فرد بود و حتی اگر بتوان چند شاخصه یا معیار اندازه‌گیری برای آن یافت، قابل مقایسه با هیچ یک از انقلابات معروف مثل انقلاب فرانسه، انقلاب اکتبر روسیه یا دیگر تحولات معاصر نیست. اساسی‌ترین تفاوت‌های این انقلاب را بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی به درستی در وصیت‌نامه الهی - سیاسی خویش تبیین کردند که فرمود:

شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب‌ها جداست؛ هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام.^۲

یکی از تفاوت‌های اساسی انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها تفاوت در رهبری است. نیکی کدی می‌نویسد: این انقلاب حتی با الگوها و انتظارات کسانی که به نسبت خوبی از اوضاع ایران مطلع بودند نیز سازگار نبود. در کجای عالم قبلاً دیده شده بود که رهبر یک مذهب جافتاده به عنوان سردمدار پر شور و پر آوازه یک انقلاب علیه یک حاکم سلطنتی ظهور نماید. حاکمی که مدعی حقانیت خود و پیوندش با گذشته ملی سرزمینش و حقانیت بر نامه‌های اصلاحی خود بود. در کجا قبلاً کسی دیده بود که حکومتی مجهز به میلیاردها دلار تسلیحات نظامی، نیروهای مسلح، پلیس مخفی و آشکار که قاعدتاً همه آنها نیز آماده استفاده بود، این چنین در مواجهه با شورش‌های متناوب، تظاهرات همگانی و وسیع و اعتصابات از پای در آید؟^۳

در شخصیت و سیره حضرت امام (ره) ویژگی‌هایی وجود داشت که هیچ تناسبی با دیگر رهبران سیاسی نداشت: جامعیت دینی و فقهی، مشاهده‌گری مستقیم نهضت‌های مردمی گذشته ایران (مانند نفوذ و استقرار پهلوی و نهضت ملی شدن صنعت نفت)، مطالعه و آشنایی با شخصیت‌های سیاسی معاصر و از همه مهم‌تر، اشراف بر تحولات اجتماعی و سیاسی جهان؛ موجب شده بود که ایشان با تدبیر و درایت، نقاط عطف و قوت پیشین را بر

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ج ۲۴، ص ۱۳۹.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۰۲.

۳. نیکی کدی، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، قلم، ۱۳۶۹، ص ۱۵.

در شخصیت و سیره حضرت امام(ره) ویژگی‌هایی وجود داشت که هیچ تناسبی با دیگر رهبران سیاسی نداشت: جامعیت دینی و فقهی، مشاهده‌گری مستقیم نهضت‌های مردمی گذشته ایران، مطالعه و آشنایی با شخصیت‌های سیاسی معاصر و از همه مهم‌تر، اشراف بر تحولات اجتماعی و سیاسی جهان

جنبش خویش بیفزاید و از نقاط ضعف و آسیب‌های احتمالی پیشگیری نماید. از این منظر، مدیریت امام(ره) مبتنی بر نگرش‌های جاری و مرسوم، تکیه بر کارگزاران سیاسی، سازماندهی شبه‌روشنفکران و قشرهای خاص و تشکیل حزب‌های سیاسی - همانند انقلاب‌های رایج جهان - نبود. نهضت امام، نهضتی عام بود که بر خداوند متعال، اصول اساسی مکتب اهل بیت(ع) و مردم تکیه داشته و از هر گونه برخورد قهرآمیز و مسلحانه پرهیز می‌کرد و مبتنی بر آگاهی عمومی و تدریجی همه مردم و تربیت عالمان وارسته و جوانان مؤمن و انقلابی بود.

چنین دیدگاهی موجب شد که نهضت امام در زمان کوتاهی به انقلابی سراسری و فراگیر در سراسر ایران تبدیل شود و همه مردم - نه فقط قشرهای خاص و معدود - نه تنها در شهرهای بزرگ بلکه در تمام شهرهای کوچک و دورافتاده و نزدیک نیز نهضت اسلامی حضرت امام(ره) را باور کرده و آن را با قیام‌های ادواری و پیوسته در شهرهای ایران وسعت بخشند؛ به طوری که هیچ شهری یا منطقه‌ای و هیچ گروه یا حزبی نمی‌تواند سهم بیشتری برای مشارکت خود قائل شود یا آن را منحصر به خود کند - و اغلب گروه‌ها در فرع این جنبش قرار گرفته و برای خود و جاهتی کسب کردند و هیچ قشری - چه روحانی، چه بازاری، چه دانشجو، چه فرهنگی، چه کارمند و... - مدعی پیشتازی صرف در راه مبارزه نیست، چرا که همه آحاد مردم برای انقلاب فعالیت کردند. قیام‌های مردمی در شهرهای کوچک و بزرگ، نشانه‌ای از این سهم عمومی و فراگیر است و هدف این پژوهش نشان دادن گوشه‌ای از این همگرایی در بندرانزلی، یکی از شهرهای استان گیلان است.

این شهر به دلیل جایگاه استراتژیک و موقعیت ویژه‌ای که دارد، به عنوان دروازه اروپا^۱ در دوره قاجار و مرکز داد و ستدهای تجاری با آسیای میانه محسوب می‌شد. بسیاری از سفرهای سیاسی و کشوری به اروپا از این بندر صورت می‌گرفت. همین امر موجب شد تا در گذشته نزدیک، سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی در این شهر نمود

۱. در دوران قاجار اگر کسی بنای سفر به اروپا داشت، یکی از مسیرها خط کشتیرانی بندرانزلی بود. به همین علت یکی از القاب این شهر دروازه اروپا است. در کتاب *سفرنامه ناصرالدین شاه به فرنگ* (که مربوط به سفر اول او به اروپا است) و کتاب *سفرنامه دوم مظفرالدین شاه به فرنگستان* و خاطرات حضورشان در انزلی و سفر به اروپا به این موضوع اشاره شده است.



پیدا کند؛ به طوری که می‌توان این شهر را «شهر اولین‌ها» در بسیاری از تحولات و فرآیند نوسازی قلمداد کرد.^۱ از همین منظر این شهر همواره -از گذشته تاکنون- مورد توجه صاحبان قدرت‌های خارجی یا حکومت‌های داخلی بود و برای تغییر نگرش یا روش زیست مردمانش، برنامه‌ریزی‌هایی صورت گرفته است. روس‌ها بارها به این شهر حمله نظامی و شهر را اشغال کردند^۲ و در زمانی که دولت مرکزی ضعیف بود، با ایجاد پایگاه‌های سیاسی و نفوذ چپ‌گرایانی هم چون «حزب کمونیست ایران» و «حزب توده»،^۳ در صدد گسترش افکار و اندیشه خود بودند و فعالیت‌های چپ‌گرایانه، سال‌های متمادی بر جوانان، روشنفکران و هنرمندان این شهر متمرکز شده و مشاغل و وضعیت نامساعد اقتصادی مردم که معمولاً کارگری، صیادی و کشاورزی بود بستری برای این گونه فعالیت‌ها بود و البته گاهی مورد سوءاستفاده هم قرار می‌گرفتند.^۴

ریشه‌های اعتقادی

انزلی به واسطه آمد و شد بزرگان مذهبی و وعاظ،^۵ بازاریان متشرع (سید احمد اتقیاء، برادران بیلابری، دارچینی، خوش‌نژاد و...) و هجرت و استقرار علمای وارسته‌ای هم چون

۱. اولین بلدیة، اولین پل متحرک ایران، اولین فرودگاه، اولین نشریه ورزشی و... برخی از این اولین‌هاست.
۲. به عنوان نمونه: الف. ورود ارتش سرخ در ۱۸ می سال ۱۹۲۰ (در ۲۹ شعبان سال ۱۳۳۸ قمری) با شلیک چند گلوله توپ در بندر انزلی پیاده شدند؛ در حالی که انگلیسی‌ها در غازیان استحکامات داشتند و به اعتقاد محافل نظامی، اگر مقابله می‌کردند می‌توانستند مانع ورود شوروی شوند. آنها برای دفع پایگاه‌های تزاری یا ارتش سفید وارد بندر انزلی شدند؛ ب. در جنگ جهانی دوم نیز در تاریخ ۳ شهریور ۱۳۲۰ (۲۵ آوت ۱۹۴۱) از راه آستارا، انزلی را اشغال کردند و تا سال ۱۳۲۳ در این شهر بودند. (میر عمادالدین فیاضی، مسافر تاریخ، خاطرات عزیز طوبلی، رشت، فرهنگ ایلیا، ۱۳۹۵)
۳. در گذشته حزب کمونیست ایران که حزبی سیاسی بود در ژوئن ۱۹۲۰ (اواخر تیرماه ۱۲۹۹ ش) در بندر انزلی تأسیس شده بود که دبیر کل آن حیدر عمو اوغلی بود و به دنبال آن، دو سال پس از آغاز جنگ جهانی دوم و اشغال ایران به وسیله ارتش متفقین، به رغم اعلان بی‌طرفی (در سوم شهریور ۱۳۲۰) و سقوط رضاشاه پس از ۱۶ سال حکومت استبدادی، آزادی نسبی برای فعالیت‌های سیاسی و مطبوعاتی پدید آمد که گروه‌ها و سازمان‌های بسیاری تأسیس شدند؛ از جمله حزب توده که در مهرماه سال ۱۳۲۰ و با حمایت انترناسیونال کمونیستی (کمینترن) توسط عده‌ای از فعالین سیاسی که برخی از آنان پیشینه کمونیستی داشتند؛ تشکیل گردید. (پایگاه اینترنتی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی)

۴. عزیز طوبلی در خاطرات خود می‌گوید: «در هر اداره و یا محلی مانند شیلات و بندر، اشخاصی که قرار بود به کاری اشتغال داشته باشند، می‌بایستی عضو حزب توده باشند... عده‌ای از مردم به خاطر کار و به دست آوردن لقمه‌ای نان در آنجا نام‌نویسی کرده بودند.» (میر عمادالدین فیاضی، همان، ص ۴۱-۴۰)

۵. آقایان میر محمدعلی صدراپی اشکوری، آیت‌الله کاشانی، آیت‌الله سید مصطفی خمینی، شیخ محمدتقی فلسفی، شیخ عباسعلی اسلامی، آیت‌الله سید محمود طالقانی، شیخ مرتضی انصاری واعظ، شیخ علی اکبر تربتی واعظ، شیخ غلام‌رضا فیروزیان، شیخ احمد کافی، شیخ محمود تولایی، آیت‌الله سید محمد کاظم شریعتمداری، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی، شیخ هادی حسام واعظ، شیخ حسن حجتی نجفی، آیت‌الله صادق احسانبخش و آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی از کسانی بودند که برای موعظه، دیدار یا سخنرانی به بندر انزلی آمده بودند.

شیخ ابراهیم اسلامی،^۱ شیخ مهدی شریفی،^۲ آیت‌الله سید ابوطالب پیشوایی^۳ و آیت‌الله سید محمد نجفی^۴ از پستوانه اخلاقی و اعتقادی محکمی برخوردار بود و مردمانش در هر نهضت عدالت‌خواهانه‌ای سهم داشتند. چنان که در «شورش صیادان» برای استقلال شیلات ایران از بیگانگان^۵ و در «نهضت مشروطه» به رهبری علمای بزرگ شهر^۶ مشارکت داشتند.

۱. شیخ ابراهیم اسلامی ملقب به آبکناری امام جماعت مسجد سرخی (ولی عصر «عج» کنونی) بندر انزلی که از روحانیون مبارز مشروطیت بوده است، در ماجرای اجازه ورود ندادن مردم انزلی نسبت به اتابک - که بنا بود بعد از دوران مشروطه صدر اعظم شود - با اجازه مجلس شورای ملی همراه با سید رفیع خلخالی به عنوان بزرگان شهر، نقش واسطه را ایفا کردند و از اتابک تعهد پابندی به مشروطه را گرفتند. در اسناد تاریخی نام وی شیخ ابراهیم آبکناری عنوان شده است ولی بر سر مزارش شهرت شیخ محمدی قید شده است. وی در ۱۱ اسفند ۱۳۰۰ در گذشت و در صحن مسجد ولی عصر (عج) (سرخی سابق) دفن گردید. (هومن یوسف دهی، انجمن‌های گیلان در عصر مشروطه، رشت، فرهنگ ایلیا، ۱۳۸۷) نهایتاً وی به جریان مشروطه‌خواهی در مشروطه (یعنی دیدگاه شیخ فضل‌الله نوری) گرایش پیدا کرده بود و حتی عده‌ای از او خواستند تا نامه‌ای علیه شیخ فضل‌الله بنویسد که وی به شدت خودداری کرد و پیراهن خود را پاره کرد و گفت می‌توانید با اسلحه به سینه من بزنید، ولی هرگز این کار را انجام نمی‌دهم. (گفت‌وگوی نگارندگان با سید اسماعیل اتقیا؛ به نقل از مرحوم هندخاله‌ای که از مؤمنین شهر بوده و شاهد این ماجرا بود.)

۲. آیت‌الله شیخ مهدی شریفی ۱۲۵۳ هـ در خانواده‌ای روحانی متولد شد. وی در نجف درس خوانده بود و از شاگردان میرزا حبیب‌الله رشتی بود. با میرزا کوچک جنگلی رابطه دوستانه داشت و در مسجد سرخی بندر انزلی نماز به جامی گذارد. نماز باران ایشان در میان مردم شهرت زیادی دارد. ایشان در سال ۱۳۳۱ هـ در گذشت و در صحن مسجد ولی عصر (عج) در کنار مزار شیخ ابراهیم آبکناری به خاک سپرده شد. (دیوارنوشته مزار در مسجد حضرت ولی عصر (عج))

۳. آیت‌الله سید ابوطالب پیشوایی (۱۳۵۷-۱۲۷۰ ش) از علمای بنام شهر انزلی که دروس عالیه حوزوی را در نجف نزد آقا شیخ اسماعیل تنکابی، شیخ زین‌العابدین مازندرانی، میرزا ابوالحسن مشکینی، سید ابوالحسن اصفهانی و ضیاءالدین عراقی به پایان رساند و در سال ۱۳۱۱ به ایران بازگشت. از آثار خدمات او تأسیس مدرسه علمیه قائمیه انزلی است. اجداد وی - سادات میرگل - نیز از روحانیان بنام شهر و استان بودند که در مسجد «خان» پیش نماز بودند. سید ابوطالب پیشوایی امام جمعه شهر بوده است که از سال ۱۳۱۱ ش در شهر به ارشاد و تبلیغ دین و تربیت شاگردان دینی اشتغال داشت. مراجع عظام برای او احترام ویژه‌ای قائل بودند. ایشان که معتمد مردم و علماء بود، همواره پذیرای بزرگان و فضلاء کشور در خانه خویش بود. وی در ۵۷/۷/۲۹ در گذشت و در مسجد جامع شهر به خاک سپرده شد. (میر عمادالدین فیاضی، فرزند شهر خوبان، تهران، حوزه هنری، ۱۳۹۶)

۴. آیت‌الله سید محمد نجفی بادکوبه‌ای (۱۲۷۵ هـ در نجف اشرف - ۱۳۵۷/۷/۱۶)؛ وی فرزند آیت‌الله سید حسین حسینی بادکوبه‌ای است. ایشان در سن سی سالگی به ایران مهاجرت کرده و در بندر انزلی سکنی گزید. آیت‌الله میلانی در خصوص شخصیت منحصر به فرد آیت‌الله نجفی می‌فرمودند: آیت‌الله سید محمد نجفی در صورت اقامت در قم در ردیف مراجع بزرگ تقلید مطرح می‌شدند. آیت‌الله سید محمد نجفی که در نهایت زهد و سادگی و تواضع در بندر انزلی زندگی می‌کرد، به «پابره‌نه آقا» (یعنی آقایی که با پای برهنه راه می‌رود) شهرت داشت. چون یکی از عادت‌های آیت‌الله نجفی راه رفتن با پای برهنه بود. ایشان در طول حیات خود در مسجد سرخی و مسجد سامانسر نماز می‌خواندند. (جهت مطالعه بیشتر رک: رسول عابدین زاده، مختصری از زندگانی عالم ربانی آقا سید محمد نجفی)

۵. این قیام که در آبان‌ماه ۱۲۸۱ ش (۲۱ نوامبر ۱۹۰۶) صورت گرفت، مربوط به امتیاز لیانازوف در بهره‌برداری از صید دریای کاسپین بود که صیادان در تلگرافخانه تحصن کردند و به آیت‌الله سید محمد طباطبایی تلگرام فرستادند که ما را مجبور به فروش ماهی به او می‌کنند. ایشان مخالفت کردند. ولی این اعتراض و شورش موفق نشد و این امتیاز که از خرداد ۱۲۵۵ ش (ژوئن ۱۸۷۶) منعقد شد تا ۱۱ بهمن ۱۳۳۱ ش (۳۱ ژانویه ۱۹۵۳) و پس از سقوط تزار نیز به قوت خود باقی ماند. (پایگاه اینترنتی دانشنامه آزاد، ویکی‌پدیا فارسی / قیام صیادان انزلی)

۶. شیخ ابراهیم اسلامی و سید رفیع خلخالی دو روحانی شهیر و از رهبران نهضت مشروطه انزلی بودند.

همچنین با میرزا کوچک خان در قیام جنگل^۱ همراه بوده و در جریان «ملی شدن صنعت نفت»^۲ در میدان حضور داشتند. از طرفی فرصت تغییر و استحاله همواره در این شهر با ابزارهای گوناگونی هم چون تأسیس مدارس خارجی،^۳ فعالیت رسانه‌های دیداری و شنیداری شرق،^۴ وجود مبلغان آیین‌های غیراسلامی و مستبشرین مسیحی^۵ وجود داشته است.

به دلیل این سابقه مذهبی، شهر دارای مساجد متعدد^۶ بوده و از هیأت‌های عزاداری ریشه‌داری برخوردار است.^۷ این فعالیت سنتی و اعتقاد مذهبی حتی در مقاطع حساس به جریان‌سازی‌هایی منجر شد. به طوری که مؤمنان این شهر با افکار فاسد «پاک‌دینی»

۱. در قسمت‌های مختلف کتاب سردار جنگل نوشته ابراهیم فخرایی به این موضوع اشاره شده است.

۲. در سال ۱۳۳۲ تظاهراتی در گیلان و بندر انزلی صورت گرفت که منجر به حمله به مجسمه شاه در بلوار شهر شد و در این اعتراضات، گارد نیروی دریایی اقدام به تیراندازی می‌کند که یکی از جوانان شهر گلوله خورده و کشته می‌شود. عزیز طولی به عنوان شاهد و یکی از نیروهای نظامی مستقر در میدان، نکات جالب توجهی در خاطرات خود دارد. برای مطالعه بیشتر رک: میر عمادالدین فیاضی، مسافر تاریخ، همان، ص ۱۳۴-۱۱۹.

۳. یکی از راه‌های ترویج فرهنگ بیگانه تأسیس مدارس خارجی بوده است. به طوری که اولین مدارس در شهر به وسیله روس‌ها در غازیان تأسیس شد و به تدریج قشری از پسران و دختران با دیدگاه‌های جدید از این مدارس فارغ‌التحصیل شدند. در گزارش‌هایی از اداره معارف در سال ۱۳۰۱ آمده است که اولین مدارس به وسیله لیانازوف و قونسول روس (میسوویس) بوده که در سطح شهر اعلان ثبت نام داده و از برافراشتن بیرق دولت و تابلوی مدرسه ممانعت به عمل آورده‌اند و سیاست‌های خود را اعمال می‌کرده‌اند. (اسنادی از مدارس/ایرانی در خارج و مدارس خارجی در ایران ۱۳۱۷-۱۳۰۱)، تهران، مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۱، ص ۱۸۵-۱۸۰) همچنین مدرسه متوسطه اشکودا در خیابان بایندر سال‌ها فعالیت می‌کرد.

۴. از دیرباز رسانه‌های دیداری و شنیداری روس‌ها به زبان ترکی برای مردم برنامه داشتند و شبکه‌های باکو به ویژه طرفدارانی داشت و از سوی دیگر مراکز شنود و رادیویی انگلیس و آمریکا از جنگ جهانی دوم تا پیروزی انقلاب اسلامی، در شمال کشور پایگاه داشتند. آمریکا می‌دانست که مرزهای شمالی ایران در مجاورت مرزهای جنوبی شوروی برای فعالیت‌های جاسوسی بر ضد شوروی موقعیت کم‌نظیری ایجاد کرده است. به همین دلیل از سال ۱۳۳۴، سیاه به سرعت به کار نصب و راه‌اندازی دستگاه‌های عظیم و مدرن جاسوسی-اطلاعاتی و استراق سمع در نقاطی از قلمرو شمالی ایران اقدام کرد تا علاوه بر کنترل فعالیت‌های جاسوسی شوروی از مجموعه فعالیت‌های تکنولوژیک، نظامی، موشکی و... آن کشور اطلاع یابد. آمریکا هفت پایگاه در این مناطق داشت. (پایگاه اینترنتی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر)

۵. به دلیل حضور اتباع خارجی و وجود مراکز مذهبی هم چون کلیسا، مستبشرین در این شهر به ترویج و تبلیغ کیش خود به وسیله میسیونرها می‌پرداختند. البته حضور ارامنه را با این نوع فرقه‌گرایی نباید یکی دانست. آنها در دوره صفویه و برای تجارت و زراعت به گیلان مهاجرت کردند و زندگی مسالمت آمیزی دارند. قدیمی‌ترین کلیسای گیلان مربوط به انزلی (مریم مقدس) است که متعلق به ارامنه است و در سال ۱۸۸۵ ساخته شد. (عزیز طولی، تاریخ جامع انزلی، ناشر مؤلف، ۱۳۷۰، فصل تاریخ ارامنه انزلی)

۶. اصلی‌ترین مساجد شهر عبارت بودند از: مسجد خان (این مسجد در دوره پهلوی اول از بین رفت)، مسجد سرخی (ولی عصر (عج) یا معروف به مسجد بازار)، مسجد گلشن، مسجد جامع و مسجد آخر (قائمیه) که رابینو در کتاب ولایات دارالمرز گیلان با ترجمه جعفر خمایی زاده آن مساجد را ثبت کرده است.

۷. هیأت سیگاری‌ها، هیأت کرچی‌بانان، هیأت زنجیر زنان، هیأت قاسمیان، هیأت اصغریه، هیأت آل‌محمد (ص) برخی از معروف‌ترین هیأت‌های مذهبی شهر بودند. (تاریخ جامع انزلی، همان، فصل تاریخ اماکن مذهبی)



کسروی مبارزه کردند^۱ و در جنگ اعراب و اسرائیل^۲ به صورت داوطلبانه اقدام به ثبت نام از جوانان نمودند. بازاریان شهر با هدایت علماء همواره وجوهات شرعی خویش را به مراجع قم و نجف می‌پرداختند و به عنوان بنیان مجالس اهل بیت (ع) همواره در صف نخستین بودند - که بارزترین چهره ایشان که بعدها یکی از هدایت‌گران مبارزه شد - حاج عوضعلی فتحعلی‌زاده^۳ است. او سرمایه خویش را برای دعوت از وعاظ به کار گرفت و برای برگزاری مجالس مذهبی در شهر همواره پیشگام بود. گرچه پایگاه اصلی وعاظ و خطیبان، بیت آیت‌الله پیشوایی بود؛ اما کسبه این شهر پذیرای عالمان و واعظان بوده و در زمان‌های تبلیغی محرم و صفر یا ماه مبارک رمضان وسیله آسایش و اقامت ایشان را در شهر فراهم می‌کردند.

این فعالیت‌ها ابتدا فاقد سازماندهی انسجام‌یافته بود و عموماً جنبه سنتی داشت. اما در دهه ۱۳۲۰ بر اثر فعالیت‌های شیخ مهدی شریفی، حلقه‌ای قرآنی در انزلی شکل گرفت که بعدها به نام «جمعیت پیروان قرآن»^۴ معروف شد و به تدریج در سال‌های بعد، شاگردان این مکتب نقش اصلی را در هدایت و مبارزه در شهر پیدا کردند. این جمعیت در سال‌های

۱. سید احمد حکم‌آبادی (۸ مهر ۱۲۶۹ در تبریز - ۲۰ اسفند ۱۳۲۴ در تهران)، که بعدها نام خانوادگی کسروی را برگزید. احمد کسروی در حوزه‌های مختلفی هم‌چون تاریخ، زبان‌شناسی، ادبیات، علوم دینی، روزنامه‌نگاری، و کالت، قضاوت و سیاست فعالیت داشت. وی بنیان‌گذار جنبشی سیاسی - اجتماعی با هدف ساختن یک «هویت ایرانی سکولار» در جامعه ایران، موسوم به جنبش «پاک‌دینی» بود که در دوره‌ای از حکومت پهلوی شکل گرفت. جنبش پاک‌دینی، با انتشار کتاب *ورج‌وند بنیاد* در سال ۱۳۲۲ بنیان‌گذاری شد و جمعیت «باهماد آزادگان» اندیشه‌های وی را ترویج می‌کردند. کتاب *اسرار هزارساله* نیز با تأثیرپذیری از وی و شریعت سنگلجی در انتشارات پرچم و پیمان نوشته شد که کتاب کشف *اسرار امام* در پاسخ به شبهات آن است. احمد کسروی در تاریخ ۲۰ اسفند ۱۳۲۴ و در سن ۵۵ سالگی، در اتاق بازپرسی ساختمان کاخ دادگستری تهران توسط افراد گروه «فدائیان اسلام» کشته شد. در بندر انزلی نیز مسلمانان شهر با هدایت مرحوم سید احمد اتقیاء پیروان کسروی را در یک درگیری تاراندند. (گفت‌وگوی نگارندگان با سید اسماعیل اتقیاء)

۲. جنگ‌های اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ با رهبری موشه دایان با حمله به مصر در صحرای سینا آغاز شد و سه روز به طول انجامید و با تصرف سرزمین‌های اشغالی جدید و بلندی‌های جولان متوقف گردید. سید اسماعیل اتقیاء در خاطرات خویش می‌گوید که برادرش سید احمد برای این اعزام تلاش کرد که منتفی شد. (گفت‌وگوی نگارندگان با سید اسماعیل اتقیاء)

یادآور می‌شود این ثبت نام با رهبری فدائیان اسلام برای مبارزه با اسرائیل بود که در بهار سال ۱۳۲۷ صورت گرفت که با مخالفت دولت ایران بیش از ۵۰۰۰ داوطلب نتوانستند همراهی کنند. (فصلنامه حضور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱، ش ۴۳)

۳. عوضعلی فتحعلی‌زاده (۱۳۹۳-۱۳۰۲) فرزند شربت اوقلی از مهاجرین خلخال، که از کسبه مشهور شهر بود. وی از مبارزین شجاعی بود که با رجال مذهبی کشور مرتبط بوده و در شکل‌گیری مبارزات در شهر نقش مؤثری ایفاء کردند. ایشان به دلیل ارتباط وثیق با مراجع و علماء از شخصیت‌های مذهبی برای تبلیغ دعوت می‌کردند. در دوره اول انقلاب نیز منزل‌شان محل آمد و رفت مبارزان بود و پس از انقلاب به وسیله منافقین ترور شد.

۴. جمعیت پیروان قرآن در سال ۱۳۳۱ به سرپرستی محمد مهدی پورگل تشکیل شد. آنها روزهای جمعه هر هفته در مسجد قائمیه برنامه داشتند. ساواک به بهانه عدم اساسنامه و مجوز، از فعالیت انجمن از سال ۱۳۵۰ جلوگیری به عمل آورد. ساواک به صراحت، اعضای انجمن را از مقلدان حضرت امام (ره) دانسته است. ایشان برای آزادی عمل در فعالیت، اقدام به تأسیس مؤسسه خیریه حضرت ولی عصر (عج) نمودند. درباره نحوه تشکیل و تغییرات انجمن در بخش‌های بعدی نکاتی ذکر می‌شود.

نخستین شکل‌گیری، با جذب جوانان مؤمن و باسواد، تنها به تفسیر متون دینی و اسلامی و تفسیر قرآن می‌پرداخت و حساسیت ویژه‌ای نسبت به جریانات سیاسی نداشت. به تدریج شاگردان این حلقه قرآنی توانستند برای خود وجهت و اعتمادی کسب نمایند و با حضور کسانی هم‌چون عباس غله‌زاری^۱ و محمد مهدی پورگل^۲ که یکی با آگاهی سیاسی و تشکیلاتی خویش و قرباتی که با تشکلهای مذهبی کشور داشت و از نزدیکان فدائیان اسلام بود و دیگری با تسلط بر معارف اسلامی، توانستند مسیر جمعیت را به سوی دیدگاه‌های جدید و مبارزه سیاسی سوق دهند.

اوضاع شهر انزلی در آغاز دهه ۴۰

الف. وضعیت اقتصادی

همواره موقعیت جغرافیایی و اقتصادی در شهر بندر انزلی پیوندی ناگسستنی داشته‌اند. وجود دریای کاسپین (خزر) و تالاب انزلی موجب شده است که ماهیگیری در این شهر، به عنوان یکی از مشاغل مهم محسوب شود و تا امروز هم یکی از ارکان اصلی اقتصادی شهر است. همچنین وجود تالاب باعث حمل و نقل کالا به مناطق اطراف انزلی می‌شد که در آن دوران اهمیت بالایی داشت. از طرف دیگر دارا بودن آب و هوای معتدل و زمین‌های حاصلخیز برای کشت برنج در داخل شهر و روستاهای تابعه، باعث شده است که بسیاری از مردم این سامان به کشاورزی اشتغال داشته باشند و با این که تغییراتی در وضعیت مشاغل داشته‌ایم، با این حال، کشاورزی نیز همچنان شغل اغلب روستاییان این شهرستان بوده است؛ گرچه اکثر مردم کشاورز منطقه مجبور بودند که برای مالکان و اربابان کار کنند یا به دلیل تنگدستی، محصول خود را پیش فروش کرده و آذوقه اندکی ذخیره سازند. برخی از طرح‌های فرمایشی هم‌چون اصل چهار ترومن (طرحی که می‌خواست کشورهای ضعیف‌تر بلوک غرب را غنی کند تا به سمت بلوک شرق - شوروی - متمایل نگردند) نیز نتوانسته بود

۱. عباس غله‌زاری دانشجوی دانشسرای عالی و خبرنگار اتحادیه مسلمین بود. وی مدیر دبستان قائم، مخبر نشریه ندای حق و یکی از دوستان نواب بود و گزارش او از کربلایی کاظم ساروقی مشهور است. در سال ۱۳۳۵ او همراه با آیت‌الله خامنه‌ای و عده‌ای دیگر در خصوص تعطیل نشدن سینماهای مشهد در ایام محرم و صفر - که عامل ماجرای استاندارد وقت خراسان بود - اعتراض کردند. (هدایت‌الله بهبودی، شرح اسم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۲، ص ۶۵) غله‌زاری از کسانی است که به استناد گزارش ساواک همراه با شیخ عباسعلی اسلامی در گسترش مراکز اسلامی در سراسر ایران فعالیت داشته است.

۲. محمد مهدی پورگل فرزند حسن (۱۳۹۰-۱۳۱۱)، دانش‌آموخته رشته الهیات در دانشگاه فردوسی مشهد و از بنیانگذاران جمعیت پیروان قرآن بوده است و گرایش‌های دینی و سیاسی وی در رشد جوانان شهر بسیار مؤثر بود. ایشان نماینده دوره‌های اول و دوم مجلس شورای اسلامی از حوزه انتخابیه بندر انزلی بود. بعدها سفیر ایران در اتریش و همچنین رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز شد. (پایگاه اطلاع‌رسانی مجلس شورای اسلامی)

آبادانی و آسایش برای مردم فراهم کند. در گزارشی که استانداری گیلان به ثبت رسانده است، نارضایتی آشکار مردم نسبت به این تغییرات و کمبود امکانات مشهود است.^۱ حتی اصلاحات ارضی (لغو قانون ارباب و رعیت) نیز - به غیر از اندکی - نه تنها سرمایه و زمین برای مردم فراهم نکرد؛ بلکه آنان را مجبور به مهاجرت و کارگری در سایر شهرهای ایران نمود.

ب. وضعیت سیاسی و تاریخی

بندر انزلی در دوره قاجار محل تردد به کشورهای اروپایی بوده و معروف به دروازه اروپا بود. بسیاری از تجار، بازرگانان و رجال سیاسی برای رفت و آمد به غرب، باید از مسیر کشتیرانی انزلی استفاده می کردند. در دوره قاجار و پهلوی اول، حوادثی در کشور رخ داده که بندر انزلی به اندازه خود در آن سهم‌های کوچک و بزرگی ایفا کرده است. رشت و انزلی از شهرهای فعال در حادثه مشروطه بوده‌اند و برخی از اتفاقات به ثبت رسیده در دوران مشروطه، در این شهر واقع شده است. برای مثال، همان طور که پیش‌تر اشاره شد بندر انزلی در وقایع نهضت جنگل هم نقشی مؤثر داشته است و برخی از پیروان و هواداران جنگل در این شهر بودند. در اواخر سلطنت قاجار هم، تفکرات چپ با موجی تازه در سال ۱۲۹۹ در این شهر شکل گرفت. تفکراتی که تا سال‌های متمادی در پیکره فکری جوانان و روشنفکران، اثرگذاری داشته و هدایت افکار و اعمال آنان را بر عهده داشت.^۲ مجموع این اتفاقات انزلی را به منطقه‌ای حساس در کشور تبدیل کرد.

با شروع دوران پهلوی اول و آغاز سیاست‌های آنها سعی می‌شود که انزلی بیشتر با تفکرات جدید^۳ همراه شود که این تفکر توأم با اشاعه فساد اخلاقی هم شده بود. تغییر نام این شهر از بندر انزلی به بندر پهلوی در ۸ فروردین ۱۳۰۴ توسط رضاخان، برای هم‌راستایی و تغییر

۱. در گزارشی به تاریخ ۱۳۳۱/۸/۱۰ آمده است که استانداری گیلان از سفر دکتر میلر آمریکایی از طرف وارن، رئیس اصل چهارم ترومن بابت اصل چهارم ترومن به گیلان و انزلی اظهار نارضایتی می‌کند؛ زیرا قبل از قطعی شدن مبلغ کمک اصل چهارم به گیلان و تعیین برنامه‌ای که در مرکز باید تنظیم شود، مسافرت آقایان به نقاط مرزی خصوصاً بندر پهلوی جز ایجاد توقع در مردم و صرف وقت بی‌نتیجه، حاصلی ندارد... سنخ کمک در گیلان نباید به صورت دادن مداد رنگی در مدارس به دانش‌آموزان و آوردن چند مرغ و خروس آمریکایی باشد. (محمدعلی کشاورز صدر، اسنادی از اصل چهارم ترومن در ایران، تهران، مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۶۴-۱۶۳)

۲. در دورانی که تفکرات چپ رایج بود، هنوز ضدیت آنان با دین‌گرایی مشهود نبود و خیلی از مردم به خصوص جوانان جذب این گروه‌ها شدند. اما به مرور زمان با حضور مبلغین دینی هم‌چون شیخ انصاری قمی، و آگاه‌سازی نسبت به کج‌اندیشان، بازاریشان از رونق افتاد. (گفت‌وگوی نگارندگان با سید اسماعیل انقیاء و مصاحبه با محمدمهدی پورگل - آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی)

۳. نوگرایی به سبک غربی



رویه مردم این شهر بود. در جنگ جهانی دوم، بندر انزلی^۱ توسط روس و انگلیس اشغال می‌شود. ورود مهاجران لهستانی^۲ و سربازان روس تغییراتی در بافت اجتماعی شهر ایجاد می‌کند و سیاست‌های حاکم شوروی با برگزاری میتینگ‌ها و جلسات فرهنگی - سیاسی استقرار می‌یابد. این اشغال‌گری در شمال ایران موجب فقر، بیماری، قحطی و استیلای بیگانگان می‌شود.

با تبعید رضاخان و روی کار آمدن محمدرضا، سیاست‌های پهلوی با شکل جدیدی، البته با همان مبنای قبلی - تداوم می‌یابد. اعتراضات مردم برای «ملی شدن صنعت نفت» به کودتای امریکا منجر می‌شود^۳ و محمدرضا دوره دوم حکومت خویش را با اختناق و تأسیس «ساواک»^۴ آغاز می‌کند و محدودیت‌های شدیدی برای فعالیت‌های سیاسی در سراسر ایران از جمله بندر انزلی به وجود می‌آورد.

این شهر در دهه ۴۰ وارد یک مرحله دیگری می‌شود که با فضای گذشته تفاوت‌های اساسی دارد. مرحله‌ای که با برانگیختگی و قیام مردمی همراه می‌شود؛ حرکتی که در واقع در جهت مقابله با رژیم است و در ادامه منجر به انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ می‌گردد.

۱. روس‌ها در سوم شهریور ۱۳۲۰ شهرهای مناطق نزدیک به مرز خودشان - که حدود شمال کشور می‌شد - را بمباران هوایی کردند و سپس در حالی که کشتی‌هایشان سواحل کاسپین را محاصره کرده بود، با نیروهای نظامی خود آن شهرها را اشغال کردند. انزلی، رشت و ارومیه سه شهری بودند که بیشترین آسیب را در این حادثه دیدند. در شهر انزلی در این بمباران عده‌ای کشته شدند و برخی از سربازان نیروی دریایی ایران به فرماندهی بایندر در برابر اشغال‌گران مقاومت کردند و بسیاری از سربازان در فقدان فرماندهی، در پادگان میان‌پشته به اسارت درمی‌آیند. (میر عمادالدین فیاضی، مسافر تاریخ، همان، ص ۳۶-۳۳) همچنین بر اساس اسناد (روز ۳ شهریورماه نیروی دریایی شوروی در دریای کاسپین، بندر انزلی را به گلوله بست و نیروی هوایی‌اش چندین شهر ایران را بمباران هوایی کرد. حتی در ۹ شهریور حومه تهران را نیز بمباران کرد. (صفاءالدین تبرانیان، ایران در اشغال متفقین؛ مجموعه اسناد و مدارک ۱۳۱۸-۱۳۰۲، تهران، رسا، ۱۳۷۱، ص ۶۱)

۲. در جنگ جهانی دوم لهستان مورد درگیری آلمان و شوروی قرار گرفت. به همین علت بسیاری مجبور به مهاجرت شدند. شوروی در توافقی با لهستان تعهد تسهیل مهاجرت را داد. یکی از مسیرهای مهاجرت ایران بود. روس‌ها، لهستانی‌ها را در چند شهر ایران از جمله انزلی اسکان دادند. لهستانی‌ها در حدود سه سال در ایران بودند. عده کمی از آنها در ایران ماندند و زندگی کردند. ولی در انزلی دوره کوتاهی ماندند (از بهار تا پاییز) و اکثرشان بر اثر فقر و بیماری مردند. هم اکنون قبرستان لهستانی‌ها با ۶۳۹ مقبره در میدان شهدای بندر انزلی، یکی از نمادهای باقی‌مانده آن دوران است. (مصاحبه باریس ماکسینیا با تاریخ ایرانی)

۳. کودتای ۲۸ مرداد با مشارکت دستگاه‌های اطلاعاتی انگلیس و امریکا و ارتش رژیم پهلوی در سال ۱۳۳۲ انجام شد که به سقوط دولت دکتر محمد مصدق و روی کار آمدن دولت فضل‌الله زاهدی منجر شد. این کودتا یکی از غم‌انگیزترین حوادث تاریخ معاصر ایران است. چون عملاً زحمات مبارزات ملی شدن صنعت نفت را باطل کرد و رویه دیکتاتوری در حکومت پهلوی دوم را باب کرد. از طرفی نقش مستقیم دول خارجی در این کودتا استقلال سیاسی ایران را زیر سؤال برد. دکتر موسی نجفی و دکتر موسی فقیه حقانی در کتاب تاریخ تحولات سیاسی ایران این اتفاق را یکی از تجربیاتی می‌دانند که در پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی داشت.

۴. ساواک مخفف سازمان اطلاعات و امنیت کشور است. این مجموعه دستگاه امنیتی رژیم پهلوی بود که با مشارکت سرویس‌های جاسوسی سیا و موساد در بهمن‌ماه سال ۱۳۳۵ تشکیل شد. ساواک شامل ۱۱ اداره بود و به طور مشخص اداره کل سوم، نقش اساسی در بازداشت، شکنجه و برخورد با مخالفین رژیم را بر عهده داشت.

ج. جریان‌های فکری و فرهنگی

از آنجا که انزلی محل رفت و آمد به اروپا بود، تفکرات چپ و راست در این شهر رونق گرفت. دیدگاه‌های «روشنفکری» که آرمانش تجددخواهی غربی یا وابستگی به نظام شوروی بود، در سطح شهر انزلی رواج پیدا کرد. در بین جریان‌ات فکری آن دوران، می‌توان به طیفی اشاره کرد که تبلیغ‌کننده رژیم پهلوی بودند و کعبه آمال آنها شخص شاه و نظرات او بود که به اصطلاح می‌توان آنها را «سلطنت‌طلب» نامید. این طیف، گروه‌های متنوعی را در بر می‌گیرد و حتی برخی از وعاظ شهر را که یا در مجالس دعا و جشن‌های آنان منبر داشتند یا قاضی عسکر بودند، را نیز شامل می‌شود.^۱ گروه دیگری که در مقابله با حکومت خنثی، و حتی از مواهب و عنایات رژیم برخوردار بود، و به همین واسطه وابسته به سلطنت تلقی می‌شد، «صوفی‌مسلك‌ها» بودند. این گروه با ترویج اندیشه‌های انزواگرایانه و انفعالی و با صرف مخارج کلان و نمایش‌های ادواری، در زمانی اقبال یافتند و مرکزی فعال در سطح شهر داشتند^۲ و حتی کارگزاران کشور نیز به محفل‌ها یا افراد منتسب به آنان، علقه نشان می‌دادند و گاه سران این جریان میزبان بزرگان کشوری و لشکری بودند. این گروه در انزلی بسیار فعال بود و جزو حامیان سرسخت رژیم در انزلی محسوب می‌شدند.

جریان دیگری که در انزلی فعال و پیوندی تنگاتنگ با غرب‌گرایان و سلطنت‌طلبان داشت، «فرقه بهائیت»^۳ بود. این فرقه و اعضای آن، دفاتری در شهر داشتند و سعی می‌کردند از بین جوانان عضوایی کرده و برای آنان آموزش‌هایی داشتند که معمولاً حربه غالب آنها ترویج لاابالی‌گری، اباحی‌گری و آلودگی جنسی بود که بزرگان شهر هنوز منش و روش‌های آنان را

۱. وجود افرادی که در لباس دین بودند و با دستگاه رژیم همکاری می‌کردند، مسئله ملموسی بود. در انزلی هم این موضوع وجود داشت. آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی خود به مورخه ۱۳/۲/۱۳۸۰ در شهرستان بندر انزلی به این مطلب هم اشاره می‌کند: «دیدم از تمام وسایل تبلیغاتی استفاده می‌کنند که دل این مردم و ذهن این مردم را وابسته کنند به رژیم فاسد پهلوی. از سپاهی دانشی گرفته تا اگر که دست‌شان می‌رسید به یک عمامه به سر». (رنگ/ایمان؛ مجموعه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری در گیلان، کانون فرهنگی دینی نقیلین، ۱۳۸۹، ص ۷۰)

۲. مسجد امام علی (ع) کنونی در خیابان شهید مفتح جنوبی، خانقاه صوفیه بود که در سال ۱۳۶۷ به مسجد تبدیل شد.

۳. سید علی محمد شیرازی، فردی بود که خود را باب یعنی دروازه امام زمان می‌دانست. عقاید وی تحت تأثیر القائنات شیخ احمد احسائی و فرقه شیخیه (کشفیه) بود. او به خاطر انحراف در عقاید به دستور امیر کبیر اعدام شد. طرفداران او بایه نام گرفتند. پیروان آنها شورش‌هایی را که جنبه مخالفت با احکام اسلام بود، به راه انداختند. حسینعلی بهاء که از پیروان باب بود، بعدها از بایه منشعب شد و فرقه بهائیه را پایه‌گذاری کرد. در دوران حکومت پهلوی دوم نقش بهائیت در فضای سیاسی کشور بسیار مشهود بود. مقر مرکزی بهائیت هم اکنون در اراضی اشغالی فلسطین در حوزه نفوذ صهیونیست‌هاست.



نهضت امام، نهضتی عام بود که بر خداوند متعال، اصول اساسی مکتب اهل بیت (ع) و مردم تکیه داشته و از هر گونه برخورد قهرآمیز و مسلحانه پرهیز می کرد و مبتنی بر آگاهی عمومی و تدریجی همه مردم و تربیت عالمان وارسته و جوانان مؤمن و انقلابی بود

به یاد می آورند.^۱

از این طیف که بگذریم، «چپ گرایی» هم در انزلی طرفداران خاص خود را داشت و طیف های همفکر آنان برای خود، گروه هایی تشکیل داده بودند و برنامه هایی را برای رسیدن به اهداف شان داشتند که معمولاً این

فعالیت ها- به تناسب زمان- با فراز و نشیب هایی همراه بود. اما واقعیت آن است که انزلی یکی از پایگاه های مهم جریانات چپ در کشور بود. نزدیکی انزلی به اتحاد جماهیر شوروی سابق (روسیه)، سابقه این گونه فعالیت ها در گذشته این شهر (در زمان مشروطه و اواخر قاجار) و وجود مشاغل هم چون ماهیگیری، کشاورزی و کارگری (که جامعه هدف تفکرات چپ است) موجب افزایش حامیان این ایدئولوژی ها بود؛ به طوری که در یک دوره، فریدون کشاورز^۲ به عنوان یکی از چهره های اصلی «حزب توده»، نماینده انزلی در مجلس شورای ملی بود و کسانی که فقط در حزب توده عضو بودند، می توانستند به تصدی گری مشاغل دست یابند. این جریان با برخورد رژیم، پس از ترور محمدرضا در دانشگاه تهران، فروکش کرد و سران آن نیز دستگیر شدند.^۳ البته در انزلی نیز یکی از روحانیون معروف کشور به نام انصاری قمی، با سخنرانی های خود، توانست به صورت استدلالی با این گروه مبارزه کرده و طرفداران آن را منزوی کند.^۴

با روی کار آمدن دولت مصدق، جبهه ملی نیز به عنوان یک جریان گذرا، در شهر فعالیت هایی داشت. حتی در گزارش های ساواک تا مدت ها، فعالیت های ضد رژیم را به آن منتسب می کردند. مهم ترین حرکت این جریان مربوط به واقعه ۲۶ مرداد ۱۳۳۲ می شود

۱. بهائیت در انزلی- هم چون سایر شهرهای ایران- فعالیت های زیادی داشته است. از اصلی ترین راهکارهای آنها برای جذب جوانان در سطح شهر، ترویج فساد اخلاقی بود. آنها مرکزی داشتند و برای بهائی گری تبلیغ می کردند. بعضی از مسئولین دولتی در سطح شهر به بهائیت گرایش داشتند. (گفت و گوی نگارندگان با سید اسماعیل اقبیاء، محمدعلی گنجاهی فر و محمدتقی پرورش خواه)

۲. فریدون کشاورز متولد ۱۲۸۶ در تهران بود. وی فرزند محمد وکیل التجار یزدی (نماینده رشت در دوره اول و دوم مجلس شورای ملی) بود. کشاورز از سال ۱۳۲۰ به عضویت حزب توده درآمد و از سران حزب توده ایران بود. او مدت کوتاهی در دولت قوام وزیر فرهنگ بود. وی نماینده بندر انزلی در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی بود. او در سال ۱۳۸۵ در کشور سوئیس از دنیا رفت. من متهم می کنم کمیته مرکزی حزب توده ایران را کتابی است که شامل خاطرات سیاسی او می شود.

۳. این دومین بار بود که پس از دستگیری ۵۳ نفر در سال ۱۳۱۶ با حزب توده برخورد شد. برخی نیز مانند احسان طبری و فریدون کشاورز از ایران فرار کردند.

۴. شیخ انصاری قمی در سال ۱۳۳۷ در انزلی به تبلیغ دین و مبارزه با حزب توده مشغول بود. (گفت و گوی نگارندگان با سید اسماعیل اقبیاء)



که در آن به منظور پایین آوردن مجسمه شاه در بلوار انزلی جمعیتی راهپیمایی می کند که با کشته شدن یک غیر نظامی غائله خاتمه می یابد. البته این حرکت را به طرفداران «حزب نوین» و «ایران» و «توده‌ای» ها هم نسبت داده اند.^۱

اما در همه این هیاهوها و فعالیت های جریان های مختلف، باید به جریانی اشاره کرد که نه تنها در مقابل این هجمه ها دوام آورد بلکه در نهایت با شروع نهضت اسلامی امام خمینی (ره) و پیروزی انقلاب اسلامی فاتح این میدان شد. «جریان مذهبی» در بندر انزلی، اولین فعالیت های مبارزاتی خود را قبل از دهه ۴۰ در ماجرای مشروطه، نهضت جنگل، ملی شدن صنعت نفت و مخالفت با حزب توده آغاز کرد. اما با شروع دهه ۴۰ و همراه با سراسر کشور، این جریان به فعالیت هایش رنگ و بویی دیگر بخشید و سکان فعالیت های سیاسی را از سایر رقیب ها گرفت؛ رقیب هایی که گاه به منافع حزبی خویش وابسته بودند و گاهی از جریانات بیگانه خط می گرفتند و گاه مزدور رژیم بودند و با خواست ها و خاستگاه مردم فاصله داشتند.

دهه ۴۰ آغاز حرکت مردم انزلی در مسیر نهضت امام خمینی و انقلاب اسلامی

دهه ۴۰، پس از رویدادهای جنبش مشروطه، کودتای سیاه ۱۲۹۹ و روی کار آمدن رضاخان با حمایت انگلیسی ها و ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ با حمایت امریکا و انگلیس، از دوره های تاریخی پر تلاطم تاریخ معاصر ایران است. از وقایع آغازین این دهه می توان به ارتحال آیت الله العظمی بروجردی^۲ مرجع بزرگ جهان تشیع و رحلت آیت الله کاشانی به عنوان یک مبارز و منتقد اصلی رژیم پهلوی اشاره کرد. این دو حادثه، آغازگر فرآیند جدیدی در فضای سیاسی کشور بود. در گذشت این دو عالم بزرگ

۱. در خاطرات عزیز طویلی که مسئول میدان از سوی نیروی دریایی بوده است، شرح ماوقع آمده است که علی عباس قاسملو در تیراندازی کشته شد تا مجسمه پایین نیاید. (میر عمادالدین فیاضی، مسافر تاریخ، همان، ص ۱۴۰-۱۱۶) و در مقاله «رشت بین دو کودتا» نیز ورود سر تیپ فرخنده‌بی و حوادث بعدی را شرح می دهد. نکته مهم در این گزارش این است که فرماندهان انزلی آماده مقابله با مهاجمین بوده اند و در انزلی حکومت نظامی برقرار بوده است. (یحیی آریا بخشایش، «رشت بین دو کودتا»، مطالعات تاریخی، ۱۳۸۳، ش ۳، ص ۸۹-۵۵)

۲. مخالفت مذهبی در انزلی با حزب توده از زمانی شروع شد که واعظ شهیر مرحوم انصاری قمی در دهه ۳۰ به انزلی آمد و افکار توده ای ها را برای مردم باز گو کرد. تا آن زمان مردم نمی دانستند که توده ای ها ضد مذهب اند. حتی بعضا توده ای ها جلسات خود را در مساجد برگزار می کردند. (گفت و گوی نگارندگان با سید اسماعیل اقیاء).

۳. آیت الله العظمی سید حسین بروجردی با سی واسطه به امام حسن مجتبی (ع) می رسد. در سال ۱۲۹۲ ه ق در بروجرد متولد شد. ۱۸ سالگی برای تکمیل تحصیل به اصفهان رفت و پس از ده سال به نجف اشرف عزیمت کرد و به درس آخوند خراسانی وارد گردید. وی پس از کسب درجه اجتهاد به بروجرد آمد و پس از سال ها اقامت در آنجا، به قم مهاجرت کرد و در جایگاه مرجعیت قرار گرفت و بعد از شانزده سال مرجعیت عامه شیعیان در فروردین ماه سال ۱۳۴۰ ه ش دار فانی را وداع گفت. یکی از اصلی ترین بانیان مرجعیت آیت الله بروجردی و استقرار وی در قم حضرت امام بود. پیکر ایشان در حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد. (جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۹۳، ج ۱)



که توانسته بودند در جریان‌های سیاسی و اجتماعی بعد از کودتای سیاه رضاخان نقش آفرین باشند، موجب شد که یک انفطار و خلأ در رهبری جریان‌ات مذهبی شکل گیرد؛ به طوری که رژیم شاه به فکر تغییر پایگاه مرجعیت شیعه از شهر قم به نجف افتاد و برنامه‌هایی ترتیب داد که با درایت حوزه‌های علمیه این تلاش مذبحخانه به سرانجام نرسید.

بعد از شکست شاه در انتقال مرجعیت به خارج ایران، تهاجم بعدی رژیم با نمایشی به نام تصویرنامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی آغاز شد و این نمایش نیز نتیجه معکوس به بار آورد و نام امام خمینی را به عنوان یک مرجع آگاه، شجاع، سازش‌ناپذیر و توانا در ایجاد همگرایی میان مردم، برجسته و بر زبان‌ها جاری کرد؛ به طوری که در اقصی نقاط ایران اثر گذاشت. بندر انزلی (بندر پهلوی وقت)، از این اتفاق مستثنی نبود. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که حتی قبل از آغاز نهضت زمینه‌هایی در انزلی بابت این گونه فعالیت‌ها وجود داشت. بخش عمده این قضایا جنبه مذهبی داشته ولی رفته رفته چاشنی سیاسی هم به خود گرفت و مذهب‌یون شهر متمایل به مبارزات سیاسی شدند. بعضی از اتفاقات پیش آمده جنبه ایجابی دارند و برخی سلبی. با این حال مروری بر رویدادهای این دهه خواهیم داشت.

برپایی مراسم عزاداری آیت‌الله العظمی بروجردی

آیت‌الله بروجردی در ۱۰ فروردین ۱۳۴۰ در قم در گذشت. رحلت وی موجب عزای عمومی در کشور شد و مراسمات زیادی در سراسر ایران تا چهلم ایشان برپا شد. حاج سید اسماعیل اتقیاء یکی از مبارزان متدین این منطقه نقل می‌کند: شهر انزلی یکی از آن شهرهایی بود که سوگواری مفصلی در آن برگزار شد. شهر سیاه‌پوش شد و چهره انزلی کاملاً حزن‌انگیز بود. سر در خانه‌ها و مغازه‌ها در بازار و اماکن مختلف پارچه سیاه زده بودند و مردم لباس تیره بر تن کردند. با دعوت آیت‌الله پیشوایی و واعظی به نام حاج مقدسی از قم، دسته عزاداری بزرگی در شهر به راه افتاد که مردم شهر حضور چشمگیری در آن داشتند و حتی مقامات دولتی و نظامی نیز آمده بودند. این مراسم در ۱۲ فروردین ۱۳۴۰ مصادف با سوم آیت‌الله بروجردی انجام شد.^۱ این مراسم نمایانگر علقه مذهبی مردم در دوره مذکور بود. شاید این موضوع به طور مستقیم به نهضت امام مربوط نباشد اما قطعاً نشان از داشتن زمینه اعتقادی حضور در نهضت است. کما اینکه بعداً متدینین شهر به سرعت پس از رحلت آیت‌الله بروجردی به دنبال یافتن مرجع جدید بودند و نظر آنها به سمت امام خمینی جلب شد.

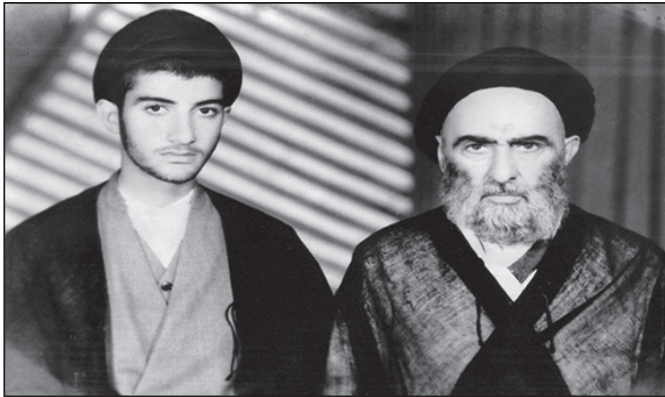
۱. در مصاحبه دکتر پورگل با مرکز اسناد آمده است که حاج مقدسی در ۱۳۴۰/۱/۱۲ به انزلی آمده است و تصاویر آن موجود است.



مراسم ارتحال آیت الله العظمی بروجردی در انزلی در مورخ ۱۳۴۰/۱/۱۲

مسئله مرجعیت جدید و سفر آیت الله پیشوایی به قم

پس از درگذشت آیت الله بروجردی، تا مدتی در محافل مذهبی، بحث مرجعیت وجود داشت و این بی ثباتی موجب شد تا رژیم به تغییر پایگاه مرجعیت از قم به نجف اقدام کند. ولی با هوشیاری حوزه های علمیه این مسئله به سرانجام نرسید و با تلاش روحانیت، حوزه علمیه قم همچنان محل توجه مراکز تشیع باقی ماند.



مهرماه ۱۳۴۰ آیت الله سید ابوطالب پیشوایی به همراه فرزندش سید محمدجواد پیشوایی بعد از عمامه گذاری توسط حضرت امام (ره)

در مهرماه سال ۱۳۴۰ آیت الله سید ابوطالب پیشوایی که امام جمعه و مجتهد شهیر بندر انزلی بود، ظاهراً برای زیارت و سرکشی به وضعیت درسی فرزندش سید محمدجواد^۱ به قم رفتند و در منزل آیت الله واصف گیلانی^۲ میهمان شدند. آیت الله سید مصطفی خمینی و آقای اشراقی فرزند و داماد امام، به نمایندگی از ایشان، با آیت الله پیشوایی ملاقات کردند و

۱. حجت الاسلام سید محمدجواد پیشوایی فرزند آیت الله سید ابوطالب پیشوایی در سال ۱۳۲۳ در بندر انزلی متولد شد. در سال ۱۳۳۸ برای تحصیل دروس حوزوی به قم رفت و حدود ۱۶ سال در آنجا مستقر شد. در سال ۱۳۴۰ توسط امام خمینی (ره) عمامه گذاری کرد. در قم از محضر آیات عظام مشکینی، فاضل لنکرانی، منتظری، جوادی آملی، گلپایگانی، هاشم آملی و حسن زاده آملی استفاده کرد. وی به دعوت علمای تهران در سال ۱۳۵۴ به تهران عزیمت کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی، در ۲۷ بهمن ۱۳۵۷ با حکم حضرت امام به عنوان نماینده ایشان در بندر انزلی منصوب شد. در دوران دفاع مقدس نیز بارها عازم مناطق عملیاتی شد و فرزند ایشان، سید مصطفی پیشوایی، در سن ۱۶ سالگی در جبهه غرب به شهادت رسید. ایشان هم اکنون امام جماعت مسجد سیدالشهدا (ع) نارمک تهران است. (جهت مطالعه بیشتر به کتاب فرزند شهر خویان نوشته میر عمادالدین فیاضی مراجعه کنید).

۲. آیت الله حاج شیخ محمد واصف لاهیجی (گیلانی) در سال ۱۳۰۵ در روستای دهگا از توابع لاهیجان متولد شد. در سال ۱۳۱۹ برای تحصیل علوم دینی به شهر قم رفت. در قم از محضر آیات خمینی (امام)، بهجت، طباطبائی، بروجردی و مرتضوی لنگرودی بهره جست. ایشان علاقه زیادی به حضرت امام داشت و برای ایشان اشعاری هم سروده است. در سال ۱۳۳۷ در قم چاپخانه نشر اسلامی را تأسیس کرد که بعدها یکی از مراکز نشر اعلامیه های امام در دوران نهضت بود. در سال ۱۳۵۰ به نمایندگی از آیت الله گلپایگانی عازم آلمان شد. ←

آیت‌الله پیشوایی به دلیل شخصیت ممتاز منطقه‌ای همیشه مورد وثوق علما و بزرگان مذهبی کشور قرار داشت و ارتباط وی با مردم تا پایان طول حیاتشان مستحکم بود و قاعدتاً اگر نظری را مطرح می‌کردند و اظهار می‌داشتند عموم مردم پذیرا بودند.

در زمان فقدان مرجعیت، برخی از مؤمنین در میان آقایان مطرح - از قم و نجف - به دنبال معرفی مرجع جدید برمی‌آیند و حتی تا قم سفر می‌کنند. سید اسماعیل اتقیاء یکی از بازاریان شهر است که اظهار می‌دارد:

در سال ۱۳۴۰ به قم رفتم و برای اولین بار آقای خائفی، حضرت امام را به من معرفی کرد و حتی دیداری حضوری با ایشان داشتم که این دیدار موجب شد شیفته برخورد و صراحت لهجه امام شوم. در این دیدار کوتاه ایشان با لبخند وارد مجلس شدند. من یک سؤال شرعی کردم و امام پاسخ دادند. پس از بازگشت سید اسماعیل اتقیاء از قم، او مرجعیت امام را در بدنه مؤمنین شهر تبلیغ می‌کند. تبلیغ او و تأیید آیت‌الله پیشوایی موجب می‌شود تا جامعه مذهبی شهر، امام خمینی را به عنوان مرجع تقلید جدید خود انتخاب کنند.



شیخ عباسعلی اسلامی

اخراج شیخ عباسعلی اسلامی^۱ از انزلی و واکنش امام

با دستور امریکا، شاه در نظر داشت طرح انقلاب سفید را به فعلیت برساند. لذا بر خلاف قانون اساسی، نمایشی به نام «رفراندوم شاه و ملت» برپا کرد. در این رفراندوم فرمایشی بدون استقبال مردمی، با تبلیغات رژیم، اصول آن تصویب شد. امام و جمعی از علما از اول با این طرح - چه به لحاظ ساختاری و صوری و چه به جهت محتوایی -

مخالفت نموده و در رابطه با آن اظهار نظر کردند و از تربیون‌ها و منابع خود، از طریق واعظان، به افشاگری درباره ماهیت سیاسی طرح پرداختند. شیخ عباسعلی اسلامی که یکی از یاران امام بود، در منبرهای مختلف ماهیت انقلاب سفید را نزد مردم افشا کرده و به همین علت

۱. شیخ عباسعلی اسلامی از فعالان فرهنگی و مذهبی در سال ۱۲۸۱ متولد شد. او مؤسس جامعه تعلیمات اسلامی، جمعیت پیروان قرآن و مدارس اسلامی در کشور است. در دوران مبارزات نهضت اسلامی امام (ره) بسیار کوشا بود و قبل از آن هم با نواب صفوی و آیت‌الله کاشانی همکاری داشت. وی در سال ۱۳۶۴ درگذشت. (رسول جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲، چاپ چهارم، ص ۹۳-۸۴)



در تهران ممنوع المنبر شد. وی در بهمن ماه سال ۱۳۴۱ - که مصادف با ماه مبارک رمضان بود - به دعوت مردم به انزلی آمد و در مسجد قائمیه منبر رفت و علیه حکومت سخنرانی کرد. او از روز اول در منبرهای خود با اشاره به مسائل فرهنگی و مسئله حجاب، دستگاه‌های اجرایی را مزدور اجانب خواند. سخنرانی‌های وی در انزلی با واکنش منفی مأموران مواجه شد و با فشارهای رژیم در تاریخ ۱۳۴۱/۱۱/۲۸ دستگیر و مجبور به ترک انزلی شد. حضرت امام (ره) نسبت به این اقدام واکنش نشان داد و در ۷ اسفند ۱۳۴۱، به مناسبت عید سعید فطر، در بیت خویش سخنرانی کرده و می‌فرماید:

اگر آقای اسلامی را نگذاشتند در تهران منبر برود، دیدید که ایشان در بندر پهلوی [انزلی] منبر رفتند و حقیقت را در آنجا بیان داشتند. اگر در بندر پهلوی [انزلی] از ادامه سخنان ایشان جلوگیری کردند، شک نداشته باشند که ایشان سخنان خود را در جای دیگر دنبال خواهد کرد، و هر کجا که فرصت پیدا کند، مطالب را به گوش مردم خواهد رساند.^۱

موضوع دستگیری شیخ عباسعلی اسلامی و اخراج ایشان از انزلی و سخنان امام در مورد این واقعه، شاید اولین مواجهه مردم انزلی با شخصیت و شجاعت امام بود. بعدها بسیاری از اخبار نهضت امام، توسط چهره‌های شناخته شده و مذهبی شهر مثل عوض فتحعلی زاده، محمد مهدی پور گل، سید احمد و سید اسماعیل اتقیاء، در منطقه منتشر می‌شد و این افراد با دعوت از وعاظ و مبلغین انقلابی برای سخنرانی و حضور در منطقه به رشد آگاهی سیاسی مردم انزلی کمک کردند.

آزادی امام (ره) از زندان و تلگراف روحانیون انزلی

حضرت امام (ره) پس از مخالفت‌های علنی خود نسبت به رژیم، در بامداد روز ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دستگیر شد که سرانجام آن قیام ۱۵ خرداد بود. بعدها رژیم بر اثر فشار افکار عمومی و مشکلاتی که در این دستگیری بر سر راهش بود، مجبور شد که امام را در ساعت ۱۰ شب ۱۶ فروردین ۱۳۴۳ آزاد نماید. بلافاصله پس از آزادی امام، در سراسر کشور جشن‌هایی برگزار شد. ساواک گیلان هم از برگزاری این جشن‌ها خوف داشت. بنابراین در نامه‌ای به ساواک انزلی و آستارا هشدار می‌دهد که مراقب برگزاری این مراسمات باشید؛ چون ممکن است به بهانه این مراسم، با سلطنت مخالفت کنند. البته از رابطین خود می‌خواهد که برخورد مستقیم نکنند و فقط طرفداران امام را شناسایی کنند.

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۵۲.



بندر پهلوی - آستارا - ساواک

فوری

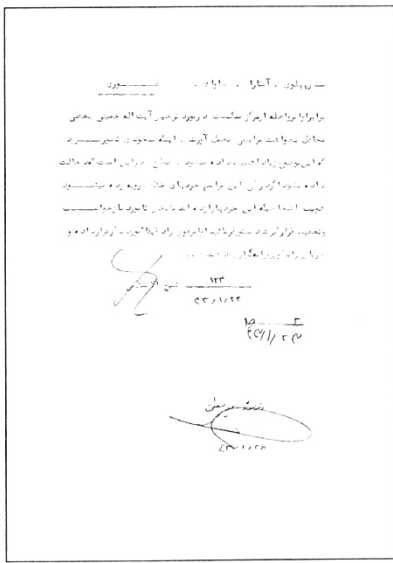
برابر اوامر واصله از مرکز ممکن است در مورد ترخیص آیت‌الله خمینی بعضی محافل بخواهند مراسمی به عمل آورند. این که بیخودی تصور برود که این موضوع زیاد اهمیت داده می‌شود. صلاح در این است که دخالت داده نشود اگر در طی این مراسم حرفهای خلاف رویه زده می‌شود هویت اشخاصی که این حرفها را زده‌اند مشخص تا مورد بازخواست و تعقیب قرار گیرند دستور فرمایید اوامر فوق را دقیقاً مورد نظر قرار داده و جریان را به طور روزانه گزارش دهند.

۱۲۴ - ۴۳/۱/۲۳ شیخ

الاسلامی

رمز مطلق

۱۳۴۲/۱/۲۳



انزلی به واسطه آمد و شد بزرگان مذهبی و وعاظ، بازاریان متشرع و هجرت و استقرار علمای وارسته از پشتوانه اخلاقی و اعتقادی محکمی برخوردار بود و مردمانش در هر نهضت عدالت خواهانه‌ای سهم داشتند

از سویی دیگر، علمای سایر نقاط کشور تلگراف‌هایی را جهت تبریک، خطاب به حضرت امام ارسال می‌کنند که برخی از این تلگراف‌ها مربوط به روحانیون انزلی بوده است. به عنوان نمونه می‌توان به برخی گزارش‌های ساواک که در کتاب نهضت/امام آمده استناد کرد.

آقای محمدی،^۱ از شهرستان بندر پهلوی، به

همراه جمعی از علمای گیلان از جمله سید شفیع واحدی، سید رضی رودباری، سید حسین رودباری و حجتی‌پور و احمد اکبری سلطانی^۲ تلگراف تبریکی برای آیت‌الله خمینی به قم مخابره و تلگراف تشکر نیز از طرف خمینی به بندر پهلوی مخابره گردیده.^۳ همچنین جواد حسنی^۴ هم در تلگرافی به امام خمینی و آقایان شریعتمداری^۵ و گلپایگانی، ورود امام به قم را تبریک گفتند. امام نیز به اظهار لطف ایشان، پاسخ دادند.^۶

۱. آقای محمدی امام جماعت مسجد روستای کپور چال بود.

۲. شیخ احمد سلطانی از وعاظ و روحانیون معروف بندر انزلی بود. در انجمن پیروان قرآن هم فعالیت‌هایی داشته است. او قبل از انقلاب اسلامی، مجموعه‌ای از سخنرانی‌های معروف وعاظ گیلانی را گردآوری و منتشر کرد که ساواک به آن اجازه توزیع نداد. پس از آزادی امام در تلگرافی به ایشان تبریک گفت و امام به تلگراف او پاسخ داد که منجر به حمله ساواک به خانه او شد. وی سال‌ها روحانی کاروان حج بود و کتابی درباره حج نگارش کرد. همچنین دفتر ازدواج هم داشت. در اواخر سال ۱۴۰۰ درگذشت.

۳. سید حمید روحانی، نهضت/امام خمینی، دفتر اول، ص ۸۵۵-۸۵۴.

۴. جواد حسنی امام جماعت مسجد امامزاده صالح غازیان و نماینده آیت‌الله گلپایگانی در انزلی بود.

۵. سید محمد کاظم حسینی شریعتمداری (زاده ۱۳۸۴، تبریز - ۱۴ فروردین ۱۳۶۵ تهران) از مراجع تقلید و مؤسس دارالتبلیغ اسلامی قم و حامی حزب جمهوری خلق مسلمان ایران بود. وی با دربار، ساواک و شاه ارتباط داشته و در سفر شاه به تبریز در سال ۱۳۲۶ او را همراهی کرد که موجب اعتراض شدید علما شد. پس از پیروزی انقلاب، در توطئه کودتای نوژه نقش داشت که صادق قطب‌زاده به آن اعتراف کرد. این واقعه منجر به سلب مرجعیت ایشان و وسیله جامعه مدرسین قم گردید که حضرت امام (ره) تلویحا در منشور روحانیت از این تصمیم دفاع کردند.

۶. متن تلگراف جوابیه امام متأسفانه موجود نیست. اما سید حمید روحانی در کتاب نهضت/امام خمینی، دفتر اول، ص ۸۵۴ به این مسئله اذعان دارد و آقای شیخ احمد سلطانی در گفت‌وگو با نگارندگان هم بیان داشتند که امام جوابیه تلگراف را با این مضمون به بنده داد: «واعظ محترم آقای سلطانی، از ابراز لطفان ممنونم» و بعد از این جوابیه، ساواک آمد و در خانه ما ریخت و جوابیه تلگراف را بردند.



تهران. ساواک. اداره کل سوم

پیرو رمز ۱۲۲-۴۳/۱/۲۲

از شهرستان رشت آقایان حاج سید شفیع واحدی پیشنماز مسجد بادی اله و سید رضی رودباری پیشنماز مسجد ساغریسازان و سید حسین رودباری پیشنماز مسجد صفی و از لنگرود حاجتی پور و از شهرستان بندر پهلوی احمد اکبری سلطانی واعظ به عنوان آیت الله خمینی و آقای جواد حسینی نجف آبادی پیشنماز مسجد امام زاده صالح غازیان علاوه بر آیت الله خمینی به آقایان شریعتمداری و گلپایگانی تلگراف تبریک به مناسبت ورود به قم

مخابره نموده اند و در ۴۸

ساعت گذشته اتفاق

دیگری رخ نداده است.

۱۲۵ - ۴۳/۱/۲۵ شیخ

الاسلامی

رمز شد...مطلق

۱۳۴۲/۱/۲۵

تهران. ساواک. اداره کل سوم

پیرو رمز ۱۲۲-۴۳/۱/۲۲

از شهرستان رشت آقایان حاج سید شفیع واحدی پیشنماز مسجد بادی اله و سید رضی رودباری پیشنماز مسجد ساغریسازان و سید حسین رودباری پیشنماز مسجد صفی و از لنگرود حاجتی پور و از شهرستان بندر پهلوی احمد اکبری سلطانی واعظ به عنوان آیت الله خمینی و آقای جواد حسینی نجف آبادی پیشنماز مسجد امام زاده صالح غازیان علاوه بر آیت الله خمینی به آقایان شریعتمداری و گلپایگانی تلگراف تبریک به مناسبت ورود به قم

۱۲۵
۴۳/۱/۲۵

۴۳/۱/۲۵

حادثه مدرسه ششم بهمن انزلی^۱

در نیمه شب ۱۷ مهر ۱۳۴۵ عده‌ای از دانش‌آموزان دبیرستان ششم بهمن وارد مدرسه شده و در محوطه مدرسه اقدام به شعارنویسی علیه رژیم و حمایت از مخالفان رژیم می‌نمایند و عکس شاه را از دیوار پایین می‌کشند و وسایل مدرسه را به هم می‌ریزند. گرچه این مسئله در مدرسه سابقه داشته، ولی هرگز به این حد نبوده است.

ساواک به شدت روی این حادثه حساس می‌شود و به دنبال پیگیری و برخورد با عوامل آن است. عصبانیت ساواک از این ماجرا به حدی بود که در سال بعد نیز به دنبال سرخ‌های موضوع و بازجویی و دستگیری عوامل آن برآمد.

البته در اسناد ساواک در خصوص این ماجرا، تناقضاتی نیز وجود دارد. در جایی به شکل سطحی، اظهار می‌کنند که ممکن است این حادثه به دلیل سخت‌گیری معلمان در امتحانات در شهر یورماه باشد که روشن است این تحلیل، با شعارنویسی علیه رژیم و حمایت از مخالفان سازگار نیست! زیرا اگر دانش‌آموزان معترض، به علت مشکل درسی این کار را انجام دهند، نهایتاً به تخریب کلاس‌ها اکتفا کرده و وارد فاز سیاسی نمی‌شدند و در درجه دوم، این شعارنویسی نشان‌گر این بود که آنان با ادبیات مبارزه‌آشنایی داشته و شعارها یا از سوی دیگران به آنان گفته شده یا خود نسبت به گزینش این شعارها اقدام نمودند.

ساواک بر اساس اعتراف یک دانش‌آموز، تلاش کرد هدف این اقدام دانش‌آموزان را سرقت از مدرسه جلوه دهد، اما مشخص بود این تلاش مذبوحانه است. چون اگر هدف سرقت بود، دیگر نباید به تخریب وسایل مدرسه و شعار سیاسی اقدام می‌کردند. بی‌تردید ساواک، جهت گزارش به مقامات مافوق و پوشاندن اصل ماجرا، در گزارشات خود به گونه‌ای وانمود نموده که مسئله سیاسی نیست!

۱. مدرسه ششم بهمن بعدها به دبیرستان دکتر معین تغییر نام یافت و در حال حاضر مدرسه متوسطه شاهد پسران در کنار موج‌شکن شهرستان انزلی است.





از: بندر پهلوی

به: رشت

تلگراف وارده

در نیمه شب مورخه ۱۷/۷/۴۵ عده‌ای وارد دبیرستان ششم بهمن شده و کلیه ائاثیه از قبیل ماشین تحریر و دفاتر موجود در اطاق دفتر را تخریب و تلفن را قطع و روی تابلوهای سه کلاس ششم و چهارم و اوّل با گچ سفید شعارهایی بر علیه شاهنشاه و به نفع خمینی و حزب توده نوشته و تمثال شاهنشاه را از دیوار پائین و در کف اطاق بدون شکستن و یا ضربه وارد آوردن قرار داده‌اند. نظر

به این که در شهریور ماه سال جاری سئوالات امتحانات متفرقه با شدت عمل و بی نظری طرح و انجام شد. به همین علت عده زیادی مردود گردیده‌اند تصور می‌رود از ناحیه داوطلبان باشد و مسئول امتحانات آقای یزدان پناه رئیس دبیرستان ششم بهمن بوده است بهر صورت جریان امر در دست تحقیق بوده و نتیجه متعاقباً اعلام می‌گردد. آقای رضائی شخصاً به محل رفته

تحقیقات و اقدامات فوراً به مرکز گزارش دهید. بمرکز گزارش شود.

تلگرافات وارده

۱- نامه	۲- نامه
۳- تاریخ	۴- شماره
۵- کتک شده توسط	۶- وقتیکه بخاری شده
۷- تلفن	۸- قطع شدن کتک
۹- برای اطلاع داد	

شماره مان خطی

در نیمه شب مورخه ۱۷/۷/۴۵ عده‌ای وارد دبیرستان ششم بهمن شده و کلیه ائاثیه از قبیل ماشین تحریر و دفاتر موجود در اطاق دفتر را تخریب و تلفن را قطع و روی تابلوهای سه کلاس ششم و چهارم و اوّل با گچ سفید شعارهایی بر علیه شاهنشاه و به نفع خمینی و حزب توده نوشته و تمثال شاهنشاه را از دیوار پائین و در کف اطاق بدون شکستن و یا ضربه وارد آوردن قرار داده‌اند. نظر به این که در شهریور ماه سال جاری سئوالات امتحانات متفرقه با شدت عمل و بی نظری طرح و انجام شد. به همین علت عده زیادی مردود گردیده‌اند تصور می‌رود از ناحیه داوطلبان باشد و مسئول امتحانات آقای یزدان پناه رئیس دبیرستان ششم بهمن بوده است بهر صورت جریان امر در دست تحقیق بوده و نتیجه متعاقباً اعلام می‌گردد. آقای رضائی شخصاً به محل رفته

تحقیقات و اقدامات فوراً به مرکز گزارش دهید. بمرکز گزارش شود.

ریاست محترم سازمان اطلاعات و امنیت شهرستان بندر پهلوی

به طوری که دبیرستانهای مهدخت - ششم بهمن - بوذرجمهر گزارش داده اند و شخصاً نیز بازدید کردم با کمال تأسف مشاهده شد که شب قبل بر دیوار دبیرستانهای نامبرده شعارهای ضد ملی و علیه مصالح مملکت با آجر نوشته بودند که قبل از ورود دانش آموزان از طرف کارکنان دبیرستانها نسبت به امحاء آن اقدام و پاک شد اینک مراتب جهت اطلاع و به آن سازمان گزارش می گردد.

رئیس آموزش و پرورش بندر پهلوی - ملک محمدی

اقدام شده است بایگانی شود
رحمتی اقدام شود.

تاریخ محرمانه ۱۳۵۴
شماره ۷۸۴
دایره
پوست

وزارت فرهنگ
اداره فرهنگ شهرستان بندر پهلوی

بسم الله الرحمن الرحیم
بازرسی در این خصوص صورت گرفته و مشاهده شد که در دیوار دبیرستانهای نامبرده شعارهای ضد ملی و علیه مصالح مملکت با آجر نوشته شده است که قبل از ورود دانش آموزان از طرف کارکنان دبیرستانها نسبت به امحاء آن اقدام و پاک شد اینک مراتب جهت اطلاع و به آن سازمان گزارش می گردد.

رئیس آموزش و پرورش بندر پهلوی - ملک محمدی

۱۳۵۴





از: ساواک گیلان

به: ریاست ساواک بندر پهلوی

درباره: دانش آموزان دبیرستان ششم بهمن بندر پهلوی متهمان

به اهانت به رئیس مملکت

بدینوسیله یک برگ رونوشت نامه شماره ۷۶۷۹۲ - ۴۵/۸/۱۶ اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی صادره به فرماندهی ارتش دوم به پیوست ارسال می گردد دستور فرمایند ضمن اعلام چگونگی خلاصه پیشینه و بیوگرافی ملصق به عکس دانش آموزان مزبور را تهیه و به این سازمان ارسال دارند.

باتوجه به شماره

۲۹۵۲/ب - ۴۵/۷/۳۰

بازرسی دادسرای بندر

پهلوی

رئیس سازمان اطلاعات

و امنیت استان یکم - شیخ

الاسلامی

آقای فاضلی اقدام شود.

۹/۱

سازمان اطلاعات

از: ساواک گیلان
شماره: ۲۱۰۰ - ۱/۱
تاریخ: ۱۳۵۰/۹/۱۶
بجای: سرکار وزارت
به: ریاست ساواک بندر پهلوی

درباره: دانش آموزان دبیرستان ششم بهمن بندر پهلوی
متهمان به اهانت به رئیس مملکت

بدینوسیله یک برگ رونوشت نامه شماره ۷۶۷۹۲ - ۴۵/۸/۱۶ اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی صادره به فرماندهی ارتش دوم به پیوست ارسال می گردد دستور فرمایند ضمن اعلام چگونگی خلاصه پیشینه و بیوگرافی ملصق به عکس دانش آموزان مزبور را تهیه و به این سازمان ارسال دارند. - ۲۹۵۲/ب - ۴۵/۷/۳۰
رئیس سازمان اطلاعات

۱۳۵۰/۹/۱۶

بدینوسیله متن نامه شماره ۶۰۹۵/۴/۷۲۸ مورخه ۴۶/۶/۸ شهربانی بندر پهلوی صادره به شهربانی استان گیلان که رونوشت آن را نیز جهت این ساواک ارسال داشته است جهت اطلاع و هرگونه اقدام مقتضی به شرح زیر به عرض می‌رساند.

تیمسار سرپرستی محترم شهربانی‌های استان گیلان پیرو گزارش شماره ۱۰۶۳۳/۴/۹۴۸ - ۴۵/۸/۷ به عرض می‌رساند ساعت ۳/۳ بعدازظهر روز ۴۶/۶/۷ اصغر زلفی پرواز فرزند موسی ۱۸ ساله ساکن بندر پهلوی با مراجعه به آقای علی محمدی مسئول آگاهی این شهربانی کتباً اظهار نمود به موقع خرابکاری دبیرستان ششم بهمین در تهران بوده پس از مراجعت از

تهران از برادرش اکبر زلفی پرواز شنیده که همراه شاهرخ رستمی محصل کلاس پنجم دبیرستان ششم بهمین و تقی ماهی ستان و چند نفر دیگر به منظور سرقت داخل دبیرستان مذکور شده و گاو صندوق و رادیو و دستگاه‌های دیگر دبیرستان را شکسته و در آنجا هم شعار مضره نوشته‌اند اضافه نمود پدر و مادرش نیز از این جریان اطلاع دارند و چنانچه مادرش را تحت فشار بازجویی قرار دهند

رشد - ساواک
بدینوسیله متن نامه شماره ۶۰۹۵/۴/۷۲۸ مورخه ۴۶/۶/۸ شهربانی بندر پهلوی صادره به شهربانی استان گیلان که رونوشت آن را نیز جهت این ساواک ارسال داشته است جهت اطلاع و هرگونه اقدام مقتضی به شرح زیر به عرض می‌رساند.
تیمسار سرپرستی محترم شهربانی‌های استان گیلان پیرو گزارش شماره ۱۰۶۳۳/۴/۹۴۸ - ۴۵/۸/۷ به عرض می‌رساند ساعت ۳/۳ بعدازظهر روز ۴۶/۶/۷ اصغر زلفی پرواز فرزند موسی ۱۸ ساله ساکن بندر پهلوی با مراجعه به آقای علی محمدی مسئول آگاهی این شهربانی کتباً اظهار نمود به موقع خرابکاری دبیرستان ششم بهمین در تهران بوده پس از مراجعت از تهران از برادرش اکبر زلفی پرواز شنیده که همراه شاهرخ رستمی محصل کلاس پنجم دبیرستان ششم بهمین در تهران بوده پس از مراجعت از تهران از برادرش اکبر زلفی پرواز شنیده که همراه شاهرخ رستمی محصل کلاس پنجم دبیرستان ششم بهمین و تقی ماهی ستان و چند نفر دیگر به منظور سرقت داخل دبیرستان مذکور شده و گاو صندوق و رادیو و دستگاه‌های دیگر دبیرستان را شکسته و در آنجا هم شعار مضره نوشته‌اند اضافه نمود پدر و مادرش نیز از این جریان اطلاع دارند و چنانچه مادرش را تحت فشار بازجویی قرار دهند

حقایق را می‌گوید چون پرونده در بازپرسی دادسرای بندر پهلوی تحت رسیدگی بوده برگ بازجویی اصغر زلفی پرواز در تعقیب گزارش شماره ۴۵/۹/۳۰ - ۴/۱۱۲۱ و شماره ۴۵/۷۲۷ - ۴۶/۶/۸ به بازپرسی ارسال و مراتب استحضاراً به عرض می‌رسد.

از طرف رئیس شهربانی بندر پهلوی. سرگرد احمدی
موسوی



از: ساواک استان یکم گیلان
به: ریاست ساواک بندرپهلوی

درباره: واقعه دبیرستان ششم بهمن
عطف به شماره: ۱۱۰۷/هـ-۴۶/۷/۶

دستور فرمایید کلیه افرادی که به نحوی از انحاء از فعالیت‌های مضره اکبر زلفی پرواز آگاهی داشته یا به وی کمک مادی و معنوی می‌نموده‌اند به طور غیر محسوس تحت نظر قرار گیرند و نتیجه را به موقع به این سازمان اعلام نمایند. % - ط.

رئیس سازمان اطلاعات

و امنیت استان یکم.

شیخ الاسلامی

جواب بدهید.

فعلاً انجام عمل مثبت به

علت نداشتن رهبر عملیات

برای این ساواک مقدر نیست.

۴۶/۹/۵

خبرگزاری ششم بهمن

از ساواک استان یکم (گیلان)
شماره ۴۵۶۷/هـ
تاریخ ۵/۹/۶۶
پیوست ۲
در راسته ساواک بندرپهلوی

درباره: واقعه دبیرستان ششم بهمن -
عطف به شماره ۱۱۰۷/هـ-۴۶/۷/۶

دستور فرمایید که افراد یکم بنحوی اراضاء از فعالیت‌ها و مضره
اکبر زلفی پرواز آگاهی داشته یا به وی کمک مادی و معنوی می‌نموده
بطور غیر محسوس تحت نظر قرار گیرند و نتیجه را به این سازمان
اعلام نمایند. % - ط
رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان یکم، شیخ الاسلامی

محمد م. م.

تاریخ: ۵/۹/۶۶
خبرگزاری ششم بهمن

جریانات فعال دهه ۴۰ در بندر انزلی

دهه چهل، دهه شکل‌گیری گروه‌های مختلف در شهر انزلی است و با توجه به ضعف یا قوت حکومت، اقتدار یا استتکاف رژیم، تشکلهایی بنیاد نهاده می‌شد که اغلب دوره‌ای یا مقطعی بودند و چشم به تحولات اجتماعی زمانه داشتند. اما تشکلهایی هم وجود داشتند که از ساختار محکمی برخوردار باشند، که معمولاً در صدد ایجاد تغییرات کلان یا اساسی در جامعه بودند. در این میان، فعالان مذهبی نیز به این باور رسیدند که برای بقای اندیشه‌های خود یا فعالیت‌های نظام‌مند اجتماعی، به جای فعالیت‌های فردی و سلیقه‌ای، باید یک سازمان و چهارچوب منسجمی به وجود آورند و بر اساس آن آگاهی سیاسی را گسترش دهند که هم تربیت نیروی انسانی مورد نظرشان صورت پذیرد و هم برای مقابله با رژیم، ابزارهایی قدرتمند در دست داشته باشند. بر این اساس «مؤتلفه اسلامی»، «انجمن حجتیه مهدویه»^۱ «جمعیت پیروان قرآن»^۲ و «مؤسسه تعلیمات اسلامی»^۳ در کشور نضج گرفت و تأثیرات آن در کشور موجب شد حرکت‌های تشکیلاتی در سطح کشور به راه افتد.

بنابر این دهه ۴۰، به نوعی دهه رویارویی اندیشه‌ها، انجمن‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی و اجتماعی با گرایش‌های مذهبی یا ضد مذهبی است که با حمایت مردمی یا حکومتی یکی پس از دیگری بعد از قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲ سر بر آوردند و هر یک در صدد بودند تا برای خود پایگاه اجتماعی در میان مردم به دست آورند.

در شهر بندر انزلی نیز، بر اساس این تأثیرات و با الهام گرفتن از قالب کلی کشور، چند طیف یا جریان - با شدت و ضعف خاص خود - ایفای نقش می‌کردند که نشانه‌هایی از آن در برخی حوادث پیداست که بارزترین آنها سه گروه زیر است:

۱. جمعیت پیروان قرآن

۱. انجمن حجتیه مهدویه با هدف مقابله با بهائیت و زمینه‌سازی ظهور امام عصر (عج) در سال ۱۳۳۵ تأسیس شد. مسئول این انجمن شیخ محمود حلبی (ذاکرزاده تولایی) بود. اما این انجمن خیلی زود مروج تئوری جدایی دین از سیاست گردید تا جایی که امام خمینی (ره) نسبت به این انجمن موضع‌گیری کرد. این انجمن به صورت رسمی در سال ۱۳۶۲ تعطیل شد. (پایگاه اینترنتی مهدویت و آینده‌پژوهی)

۲. جمعیت پیروان قرآن اسم دو تشکل بود که یکی در تهران و دیگری در مشهد فعال بود. هر دو پس از شهریور ۱۳۲۰ تشکیل شده بودند. گروه تهران را دکتر علی شریعتمداری و گروه مشهد را یک فعال سیاسی - مذهبی به نام حاجی عابدزاده تشکیل داده بود. (جهت مطالعه بیشتر به کتاب جریان‌ها و سازمان‌های سیاسی مذهبی/ایران نوشته رسول جعفریان مراجعه نمایید.)

۳. جامعه تعلیمات اسلامی توسط جمعی از فعالان فرهنگی معترض به سیاست‌های فرهنگی پهلوی تشکیل شد. محور این مجموعه شیخ عباسعلی اسلامی بود و افرادی مانند شیخ نصرت‌الله شیخ‌العراقین بیات، دکتر مرتضی ملکی، شیخ مهدی سراج انصاری و دکتر فقیهی شیرازی در هیئت امنای این گروه بودند. مجله تعلیمات اسلامی از گان جامعه تعلیمات اسلامی بود. این تشکل مدرسی هم داشت (مدرسه جعفری اسلامی) که بعدها فارغ‌التحصیلان آن در وقایع انقلاب اسلامی نقش مهمی داشتند. (پایگاه اطلاع‌رسانی جامعه تعلیمات اسلامی)



۲. فعالیت‌های روحانیت

۳. فعالیت‌های فرهنگی

جمعیت پیروان قرآن؛ شکل‌گیری فعالیت و سکان‌داری حرکت‌های انقلابی

درباره نحوه تشکیل انجمن پیروان قرآن، خاستگاه و مؤسسان آن چند نظر وجود دارد.^۱ می‌توان تحول این محفل قرآنی را به انجمنی مذهبی که دارای تشکیلات و ساختار سازمان‌یافته‌ای است، به دو فرضیه نسبت داد: در درجه اول حضور عباس غله‌زاری که با تشکیلات بزرگ انقلابی و دینی هم‌چون «فدائیان اسلام»^۲ و «مؤسسه تعلیمات اسلامی» مرتبط بود و برای نشریات دینی به عنوان روزنامه‌نگار، مطلب تهیه می‌کرد، می‌توانست این تجربه را منتقل کرده باشد. ساواک در گزارشی درباره حضور عباس غله‌زاری در بندر انزلی می‌نویسد:

عباس غله‌زاری که مؤسس جمعیت پیروان قرآن در سرتاسر ایران می‌باشد روز جمعه ۴۶/۸/۲۶ به پهلوی وارد و عصر همان روز در مسجد جامع پهلوی که به مناسبت شب اول... (مراسمی برپا بوده شرکت نموده است). نامبرده اظهار نمود که دیروز آمده‌ام و فردا به تهران برمی‌گردم. نامبرده در سال‌های قبل از زمانی که روزنامه رسمی *فدائیان/اسلام* توقیف گردید. روزنامه *راه پیروزی* را منتشر می‌کرد و بعد از توقیف روزنامه

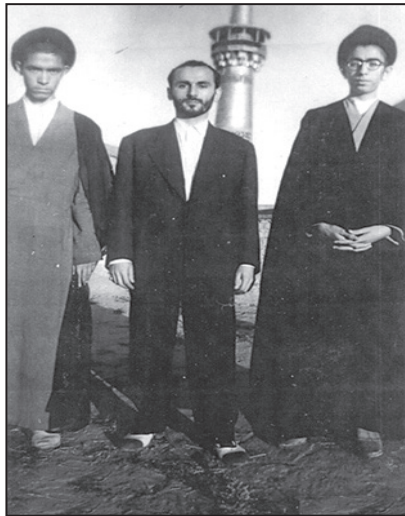
۱. در خصوص تشکیل پیروان قرآن بندر انزلی چند نظر متفاوت وجود دارد:
الف. حلقه قرآنی را که آیت‌الله شیخ مهدی شریفی در مسجد سرخی (ولی عصر (عج) کنونی) داشت، بعد از ارتحال ایشان در سال ۱۳۳۹ تبدیل به گروه پیروان شد. (گفت‌وگوی نگارندگان با سید اسماعیل اتقیا)
ب. آقای پورگل در مشهد مشغول تحصیل بود و با شعبه پیروان قرآن مشهد ارتباط برقرار کرد و مدل آن را برای انزلی آورد و آن را تشکیل داد. ظاهراً جمعیتی به همین نام با مدیریت علی‌اصغر عابدزاده (۱۳۶۵-۱۲۹۰) وجود داشته است. (برای اطلاعات بیشتر به کتاب *انجمن پیروان قرآن* مشهد نوشته نظرزاده، انتشارات آستان قدس مراجعه کنید) البته آقای عباسعلی اسلامی نیز در سال ۱۳۲۲ چنین جمعیتی داشته است.
ج. مرحوم شیخ احمد سلطانی این مجموعه را تشکیل داد.
د. برخی نیز تشکیل این مجامع را مرهون تلاش‌های شیخ عباسعلی اسلامی و اشخاصی هم‌چون عباس غله‌زاری می‌دانند که آن را در سراسر کشور گسترش دادند.

۲. جمعیت فدائیان اسلام در دهه ۱۳۲۰ توسط مجتبی میرلوحی معروف به نواب صفوی تأسیس شد. این گروه با مشی اجرای احکام اسلامی در جامعه شروع به کار کرد. کتابی هم با مضمون حکومت اسلامی منتشر کرد. این جمعیت در دهه ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۴ فعالیت جدی داشت. مبارزه با کسروی و به هلاکت رساندن او از اقدامات فدائیان اسلام بود. فدائیان در حمایت از ملی شدن صنعت نفت و با توافق بر این که دولت احکام اسلام را در جامعه جاری کند، مخالفان ملی شدن صنعت نفت را از میان برداشت. سرانجام نواب صفوی و بعضی دیگر از اعضای فدائیان توسط رژیم دستگیر و اعدام شدند. جمعیت فدائیان اسلام این روزها هم چنان فعال است. ولی دیگر روش‌های سخت‌افزاری ندارد و بیشتر رویکرد فرهنگی-سیاسی دارد. دبیر کل فعلی فدائیان اسلام، محمد مهدی عبدخدایی از نیروهای قدیمی این گروه است.

فدائیان/اسلام تمام مطالب مربوط به فدائیان اسلام در روزنامه راه پیروزی درج می گردد نامبرده در تمام ایران مؤسس جمعیت پیروان قرآن می باشد که حتی در شهرستان بندر پهلوی با همکاری حاج سید محمد بنی اسماعیلی واعظ و محمد مهدی پور گل مقدمات کار تشکیلاتی این جمعیت را فراهم نمود. این شخص در تهران کارمند آموزش و پرورش می باشد و برادرش نیز در آموزش و پرورش بندر پهلوی کار می کند.

نظریه منبع: به نظر اینجانب این شخص در اکثر فعالیت های جبهه ملی و روحانیون افراطی شرکت دارد.

[illegible]



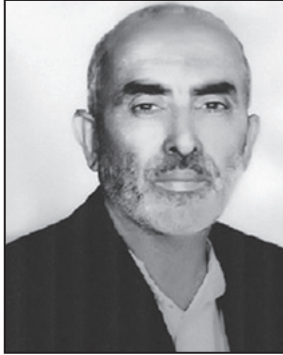
مشهد، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای در کنار عباس غله‌زاری از اعضای فدائیان اسلام

در درجه دوم هجرت برخی از افراد - به ویژه محمد مهدی پور گل - و برداشتی که از حرکت‌های اسلامی در تهران و مشهد داشت، می‌تواند چنین انگیزه‌ای را به آنان داده و چنین شیوه‌ای را رایج کرده باشد. بی‌شک اگر بخواهیم یک گروه انقلابی با کادری مؤمن و با انگیزه مردمی در شهرستان بندر انزلی نام ببریم، باید به جمعیت پیروان قرآن اشاره کرد. اعضای انجمن، افراد خوش‌نام و نسبتاً جوانی بودند که بعدها توانستند رهبری جریان انقلابی را در شهرستان بر عهده بگیرند. از شخصیت‌های تأثیرگذار انجمن می‌توان از محمد مهدی پور گل، عباس غله‌زاری، سید اسماعیل اتقیاء،^۱ شیخ احمد سلطانی، محمد علی گنجاهی فرد،^۲ سید

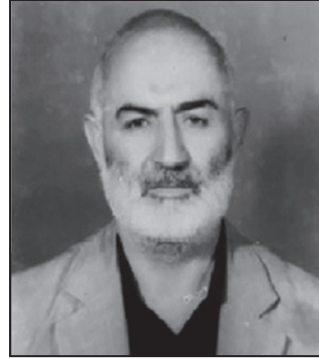
۱. حاج سید اسماعیل اتقیاء فرزند سید محمد تقی هروی - که از اعضای انجمن عدالت انزلی بود، انجمنی که در ماجرای اجازه ورود ندادن امین‌السلطان به ایران نقش داشت - از مهاجرین خلخال است. وی در ۱۰ شهریور سال ۱۳۰۹ در انزلی به دنیا آمد و از اعضای اصلی جمعیت پیروان قرآن بود. وی در تشکیل حزب جمهوری اسلامی و مؤتلفه اسلامی در انزلی بسیار مؤثر بوده است و دوران طولانی دبیر حزب مؤتلفه اسلامی انزلی بود. فرزند وی سید عبدالکریم اتقیاء دانشجویی بود که در دوران دفاع مقدس به شهادت رسید. اتقیاء ریاست شورای نگهبان انزلی را هم در کارنامه خود دارد. (برای اطلاعات بیشتر به کتاب *خطابه‌خوان/ انقلاب* نوشته یوسف سیف‌زاد مراجعه فرمایید).

۲. محمد علی گنجاهی فرد متولد ۱۳۱۱ در بندر انزلی است. وی یکی از اعضای جوان پیروان قرآن بود که برای ادامه تحصیلات به دانشکده الهیات دانشگاه تهران رفت و در آموزش و پرورش تهران خدمت کرد. بعدها به تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها پرداخت. (گفت‌وگوی نگارندگان با وی) گنجاهی فرد در سال ۱۴۰۰ درگذشت.

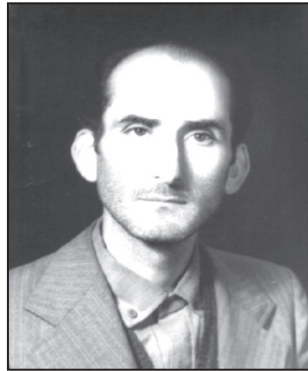
ابراهیم موشح،^۱ احمد بناساز نوری^۲ و حاج عوض فتحعلی زاده نام برد.^۳



حاج سید احمد اتقیاء



حاج سید اسماعیل اتقیاء



دکتر محمد مهدی پورگل

۱. سید ابراهیم موشح یکی از طرفداران نواب صفوی و فدائیان اسلام بود و از اعضای اصلی پیروان قرآن محسوب می شود.

۲. احمد بناساز نوری از اعضای پیروان قرآن بود که پس از دستگیری و در زندان تغییر ماهیت داده و مارکسیست شد. وی هم اکنون ساکن کشور آلمان است. عزت شاهی در خاطرات خود می نویسد: «احمد بناساز نوری یک مارکسیست بود و از سال ۱۳۴۹ توسط اصغر بدیع زادگان (از رهبران سازمان) جذب و عضو تشکیلات شده بود. وی در رأس بندهای ۴ و ۵ بود. او از اول هم چپ بود و در سال ۱۳۵۱ دستگیر و روانه زندان شد. با این حال او در بازجویی و شکنجه مقاومت کرده بود... و مرکزیت هم حسابی قبولش داشت. (محسن کاظمی، خاطرات عزت شاهی، تهران، سوره مهر، چاپ ۲۲، ص ۲۵۵-۲۴۷)

۳. از اشخاص دیگری که در پیروان قرآن بودند می توان به این اشخاص اشاره کرد: محمد تقی سیاسخواه، محمد تقی بیلابری، محمود بیلابری، محمد خوش نژاد، اکبر زمردی، سید رضا آقا پور مقدم، رحیم شیخ زاده، علی صادق پور و محمدرسلول عاشورنیا.



«جریان مذهبی» در بندر انزلی، اولین فعالیت‌های مبارزاتی خود را قبل از دهه ۴۰ در ماجرای مشروطه، نهضت جنگل، ملی شدن صنعت نفت و مخالفت با حزب توده آغاز کرد. اما با شروع دهه ۴۰ و همراه با سراسر کشور، این جریان به فعالیت‌هایش رنگ و بویی دیگر بخشید و سکان فعالیت‌های سیاسی را از سایر رقیب‌ها گرفت

محل برگزاری جلسات پیروان قرآن، معمولاً مسجد ولی عصر (عج)^۱ یا حوزه علمیه قائمیه^۲ بود. البته قبل از تأسیس این مدرسه، در مکان‌های دیگر، یا در خانه‌های اعضای گروه، این جلسات برگزار^۳ و با حمایت مالی و حق عضویت اعضا اداره می‌شد و در ضمن به نوعی اعضای این انجمن، تحت حمایت معنوی آیت‌الله سید ابوطالب پیشوایی قرار داشتند. از همان ابتدا به دلیل تازگی فعالیت‌های مذهبی در این قالب و حساسیتی که رژیم نسبت به طیف

مذهبی داشت، فعالیت‌های انجمن همواره تحت نظر ساواک بوده است و حتی برخی از اعضای نفوذی آن، تمامی اخبار جمعیت را برای ساواک گزارش می‌کردند. همان‌طور که اشاره شد، انجمن در آغاز راه، تنها به ترویج مفاهیم قرآن بسنده می‌کرد. اما به دلیل حضور شخصیت‌های انقلابی و گرایش‌های سیاسی خارج از انجمن، تبدیل به محفلی برای طرفداران انقلاب در دوره دوم فعالیت شد. انجمن پس از آغاز نهضت اسلامی امام خمینی (ره)، بسیار پر شورتر از گذشته و با حرارت زیادی کار خود را دنبال کرد و این مسئله‌ای نبود که از دید ساواک دور بماند.

۱. مسجد سرخی که امروزه مسجد ولی عصر (عج) نام دارد، در اوایل دوران قاجار توسط طایفه سرخی‌ها (طایفه‌ای بودند که از شهر سرخه سمنان به انزلی مهاجرت کرده بودند) ساخته شد. این مسجد به علت این که در بازار انزلی واقع است، به مسجد بازار هم شهرت دارد. مرحوم شیخ ابراهیم آبکناری (از فعالان مشروطه)، آیت‌الله شیخ مهدی شریفی و آیت‌الله سید محمد نجفی از امامان جماعت این مسجد بودند. این مسجد یکی از مساجد فعال در انقلاب اسلامی در بندر انزلی بود. (تاریخ جامع انزلی، همان، ج ۱، ص ۵۷۵-۵۷۴)

۲. حوزه علمیه قائمیه بنا به پیشنهاد شیخ غلامرضا فیروزیان- از روحانیونی بود که برای تبلیغ به انزلی می‌آمد- ساخته شد. شیخ حسن بنی یعقوب، امام جماعت مسجد قائمیه، زمین پشت مسجد را به این امر اختصاص داد. آیت‌الله العظمی بروجردی هم مبلغی برای ساخت آن کمک کرد. آیت‌الله سید ابوطالب پیشوایی هم از مؤمنینی که توانایی مالی داشتند، کمک گرفت و حوزه علمیه قائمیه را در سال ۱۳۴۳ تأسیس کرد. این مدرسه علمیه هم اکنون مشغول به فعالیت است. (تاریخ جامع انزلی، همان، ص ۵۸۴)

۳. مثلاً بعضی از جلسات در منزل آقای پورگل برگزار می‌شد. آیت‌الله عبدالله خائفی در گفت‌وگو با نگارندگان اذعان داشت: «بنده قبل از آغاز نهضت امام (ره) چند باری در جلسات پیروان قرآن، که در منزل آقای پورگل بود، شرکت داشتم.»

آقای محمدمهدی پورگل به سرپرستی انجمن پیروان قرآن در بندر پهلوی که آقایان محمد گنجاهی فرد، سیدابراهیم موشع، سیداسماعیل اتقیاء، اعضاء انجمن مزبور هستند جلساتی برای قرائت قرآن شب و صبح جمعه ها در مسجد سرخی و جلسات هفتگی در منزل آقای علی اندک رنج جنب باشگاه گویو تشکیل می شود شرکت دارند ضمن این که اعمال نامبردگان تحت مراقبت مأمورین این ساواک می باشد از آقای محمدمهدی پورگل، هم تهدد کتبی اخذ گردیده که هیچگونه اظهارات و فعالیت های سیاسی در جلسات مزبور نگردد. اینک با تقدیم چهار برگ رونوشت شناسنامه و چهار قطعه عکس از هر یک نامبردگان بالا مقرر فرمایند هرگونه سوابقی از چهار

نفر مزبور در مرکز ساواک استان موجود است خلاصه آن را به این سازمان اعلام فرمایند. رئیس سازمان اطلاعات و امنیت بندر پهلوی .

شرفی
رونوشت برابر اصل است
اصل در پرونده ۱۲۸ -
۰۰۲ می باشد.

کمیسیون امنایان باطنی - سازمان اطلاعات و امنیت کشور
فرمانده: ساواک - بندر پهلوی
شماره: ۱۲۸ - ۰۰۲
تاریخ: ۱۳۰۳/۰۳/۰۳
شماره پرونده: ۱۲۸ - ۰۰۲
شماره پرونده: ۱۲۸ - ۰۰۲

موضوع

آقایان محمد مهدی پورگل، سیدابراهیم موشع، سیداسماعیل اتقیاء، اعضاء انجمن پیروان قرآن در بندر پهلوی که آقایان محمد گنجاهی فرد، سیدابراهیم موشع، سیداسماعیل اتقیاء، اعضاء انجمن مزبور هستند جلساتی برای قرائت قرآن شب و صبح جمعه ها در مسجد سرخی و جلسات هفتگی در منزل آقای علی اندک رنج جنب باشگاه گویو تشکیل می شود شرکت دارند ضمن این که اعمال نامبردگان تحت مراقبت مأمورین این ساواک می باشد از آقای محمدمهدی پورگل، هم تهدد کتبی اخذ گردیده که هیچگونه اظهارات و فعالیت های سیاسی در جلسات مزبور نگردد. اینک با تقدیم چهار برگ رونوشت شناسنامه و چهار قطعه عکس از هر یک نامبردگان بالا مقرر فرمایند هرگونه سوابقی از چهار

رئیس: سازمان اطلاعات و امنیت کشور - تهران
رونوشت برابر اصل است در پرونده ۱۲۸ - ۰۰۲ می باشد



جمعیت پیروان قرآن غالباً جلسات منظمی برگزار می‌کردند و در این جلسات مباحث دینی و قرآنی مطرح می‌شد و این موضوعات به صورت غیرمستقیم با فضای سیاسی تطبیق داده می‌شد. به عنوان نمونه از خطبه‌های نهج/البلاغه تفسیری به روز ارایه می‌کردند یا از نشریه مکتب/سلام مقاله یا شعری را انتخاب کرده و می‌خواندند. ساواک از نیمه دوم دهه ۴۰ بیشتر فعالیت‌های پیروان قرآن را رصد می‌کرد. ساواک حتی خطر این گروه را در سطح منطقه، بیشتر از گروه‌های دیگر می‌دانست و احوالات آنان را به دقت زیر نظر گرفته و افراد مؤثر آن را شناسایی کرده بود. در واقع ساواک به این تحلیل رسیده بود که چون آنان از امام خمینی(ره) تقلید و در جهت ترویج افکار و اهداف ایشان حرکت می‌کنند، این گروه را بسیار خطرناک ارزیابی می‌کرد.

در سند زیر این موضوع کاملاً مشهود است:

رونوشت گزارش خبر شماره... ۴۶/۱۰/۲۰ منبع رجوع شود به گزارش عملیات...

۴۶/۱۱/۱۴...

موضوع انجمن پیروان قرآن

خطر این عده که اخیراً در دبیرستان‌ها هم به توسط بناساز نوری رسوخ کرده و جوانان ساده لوح از همه جا بی خبر را به دام انداخته اند بدون شک زبانشان از حزب منحلۀ توده هم بیشتر است و بدون شبهه با آیت الله خمینی ارتباط دارند. افرادی که ذیل نام می‌برم از گردانندگان اصلی این جمعیت بوده و موظف اند که به این جمعیت کمک مالی بدهند و اطلاع صحیح دارم دکان بزازی آقای سید اسماعیل اتقیاء را با همان بودجه برای او راه انداخته اند...

روزنوت گزار: خبرنامه ۱۴۸۴/۱۱/۲۰ - ۶۶/۱۰/۲۰ منبع وجوه بود بگزار عملیات: ابر

۰۱۵۳۹۰۹۲ ۴۶/۱۱/۱۴ - ۴۱/۷۶۶۷

مؤید انجمن پیران قران

خطرات عدو که خیرات را در پیوسته با هم بتوسه بنا سازند و رسوخ کرد و جوانان ساد بلوغ از معجایی
خبر را بداند اختیارات بدین جهت زمانه از حزب مدخله توده هم بیشتر است بدین جهت هیأت الخفیه
ارتباط دارند افراد بکف بلاشام میسر گردانند گان الهی از جمله بدیده و موافقت که با هم چه نیستند مالی
بدین دند و اخراج صحیح دارم دکان بزاز ای سید اسماعیل اختیار را با همان بود جبرای ابرامند: نه اند
زیرا سید اسماعیل بکف خدمت بر شکست شده و معما: الراج دارند که مغز متفکر جمعیست محمد مهدی، جوگ، د رمنزل
بت الهی پیرایه امام جمعه بهرستان مردم را دعوت نمود و برای اختتام پول جبرایوری نمود. معاد ارم نیست
رمن کم که اگر بشکفر از اعضای جمعیست بزند آن بریند بود چه گانه، در اختتام جمعیست ست که طایفه ریرا حو
برای مدت در سال نگهداری کنند، این جمعیست تا بد شکست با جبرایوری زند میرد از اجتماعیت میگردند و از
نواب و سایر اعضای مؤثر قدانیان الهی میگردند بعد از ملاشوی، بدین جمعیست قدانیان اسلام را بت الهی نالک
و صندس بازرگان و دگرسه سهای، و خلیل ملکی، و غیره کسب دستور منفرند و واکنش عدم استقلال بزرگ از
تکایان با سیده کسب دستور منفرند به ناما با اینکه با دارد سته است الهی خصم، نشود و تاس است و
بدستورات از اتم میگرد و دستور الهی خود که میگرد، سید اسماعیل اختیار است که تمایزها می، ماب
مخفیانه مشغول خرید بارچه و با چیز دیگری تهران سرود و دستورات بخند و را با سایر اعضای جمعیست ابلاغ
میباشد و از کسان دیگری که با بزرگ در تاس شستند و دستورات کتم، و با شفا می، او را برای جمعیست ماورد
بناسازند و است کرد رمن مدخلین نفوذ زیادی دارد و اشیر حضرت زاد و حسین جان، از مدخلین نیز
با بزرگ ارتباط دارند.

اسامی سایر اعضای جمعیست پیران قران عبارتست از: حاج محمود بیلاهی، فرزند شهبان، سید عسلاف
حاج محمد خور، نژاد شغل طلاف که میگرد، از خدایان اکثرین افراد جمعیست است که با پهل خود بهر دست را
تخوت می نماید، حمد اله تعدن شغل بزاز، سید اسماعیل اختیار، یکی از اعضای خدایان جمعیست است
که در شوراندن جمعیست پیران قران بر علیه، قائم شد و است بدستگاه دولت بسیار حاد می نماید، غلبه پیری شاکرد
مستانتین مدبر و صاحب گرانده قتل که مدتها با حاج جبرائیل جهاننگی، کارگردناست، بناسازند و
بان و صفی گوی جمعیست در اخت از دل بهات که فرد خدایان، است. و سید عاشورنا، موزگار، عباس آقا

[illegible]



البته انجمن پیروان قرآن در دهه سی فعالیت‌های اجتماعی نیز داشته است و گرایشاتی به فدائیان اسلام در آنها مشاهده می‌شد و حتی در ظاهر هم مبلغ اندیشه‌های نواب صفوی^۱ بودند و پوشش ظاهری برخی از اعضای انجمن، مطابق با اعضای فدائیان اسلام بود. آنها حتی در یکی از انتخابات مجلس شورای ملی از حوزه انتخابیه انزلی در طیف طرفدار یک روحانی بودند و در مقابل گزینه سلطنت‌طلبان ایستادند؛ یا در مبارزه با بهائیت در شهر نقش ایفا کردند. از سوی دیگر منش دینی پیروان قرآن و حضور شخصیت‌های مؤثری همانند پور گل، فتحعلی زاده، اتقیاء و غله‌زاری به قوت انجمن کمک شایانی می‌کرد. در واقع انجمن پیروان قرآن تجمیعی از قشر تحصیل کرده دین‌گرا و طیف بازاری مؤمن بودند که هر دو گروه به لحاظ موقعیت خاص خود، دارای شأن اجتماعی مناسبی بودند. آنان سعی داشتند حلقه قرآنی خود را گسترش دهند و به همین دلیل در روزهای هفته با حضور در مساجد شهر، به آموزش قرآن و معارف اسلامی برای نوجوانان می‌پرداختند. وضعیت پیروان قرآن در دهه ۵۰ تغییر می‌کند.

فعالیت‌های روحانیت

بی‌شک جامعه روحانیت چه در سطح مرجعیت و مجتهدین و چه وعاظ و مبلغین در جنبش‌های مردمی معاصر نقش پررنگی داشته‌اند؛ مواضع شخصیت‌هایی هم‌چون میرزای شیرازی،^۲ شیخ فضل‌الله نوری،^۳ سید حسن مدرس و آیت‌الله کاشانی مؤید این موضوع هستند. به همین ترتیب در نهضت امام خمینی نیز این حضور - حتی به شکل انسجام یافته‌تر و تأثیر گذارتر - دیده می‌شود؛ به ویژه حضور و فعالیت روحانیون جوانی که خود معمولاً شاگرد امام در حوزه

۱. سید مجتبی میرلوحی تهرانی ملقب به نواب صفوی در سال ۱۳۰۳ متولد شد. او در حوزه علمیه تهران و نجف تحصیل کرد. نواب گروه فدائیان اسلام را تشکیل داد. ترور کسروی، هژیر، رزم آرا، حسین علا و دکتر فاطمی و مخالفت با بی‌تفاوتی دولت مصدق نسبت به اجرای احکام اسلامی از جمله فعالیت‌های این گروه بود. وی کتابی در خصوص حکومت اسلامی (جامعه و حکومت اسلامی) نوشت. او سفری به اردن و مصر داشت و در دانشگاه الازهر سخنرانی کرد. یاسر عرفات رهبر جنبش فتح فلسطین عامل مبارزات خود با رژیم صهیونیستی را نواب صفوی عنوان می‌کند. او اعتقاد کاملی به اجرای قوانین اسلام و مبارزه با انحرافات دینی داشت. نواب و بعضی از اعضای فدائیان توسط رژیم دستگیر و در ۲۷ دی‌ماه ۱۳۳۴ اعدام می‌شوند.

۲. سید محمد حسن حسینی شیرازی ملقب به میرزای شیرازی، میرزای بزرگ، میرزای مجدد در سال ۱۲۳۰ ه‍.ق متولد شد. پس از درگذشت شیخ مرتضی انصاری مرجعیت عام شیعیان به او رسید. فتوای معروف تحریم توتون و تنباکو از او صادر شد. به همین علت او را احیاگر قدرت فتوا یا میرزای مجدد می‌نامند. سرانجام میرزای شیرازی در سال ۱۳۱۲ ه‍.ق در سامرا درگذشت و در نجف، در جوار حرم حضرت علی (ع) به خاک سپرده شد.

۳. شیخ فضل‌الله نوری در سال ۱۲۵۹ ه‍.ق در روستای «له شک» از توابع کجور مازندران چشم به جهان گشود. تحصیلات خود را در نور مازندران، تهران، نجف و سامرا پیگیری کرد. او نزد استادانی همچون شیخ راضی، میرزا حبیب‌الله رشتی، میرزای شیرازی مشغول تحصیل شد. بعد از کسب درجه اجتهاد در تهران ساکن شد. در ماجرای قیام تنباکو و مشروطه نقش پررنگی داشت.





بودند.

در ایام مذکور این طیف از روحانیون، در انزلی فعالیت‌هایی داشتند که عمده آن نقش تبلیغی و جریان‌ساز است که به بعضی از موارد آن، در بخش رویدادهای مهم دهه ۴۰، تحت عنوان «مسئله مرجعیت جدید و سفر آیت‌الله پیشوایی به قم»، «اخراج شیخ عباسعلی اسلامی از انزلی و واکنش امام» و «آزادی امام از زندان و تلگراف روحانیون انزلی» اشاره شد. برخی از حوادث و رویدادهای دیگری که در این دهه روحانیون در آن نقش ایفا کردند را در این بخش ذکر می‌کنیم:

در خواست امام خمینی (ره) از آیت‌الله پیشوایی جهت کمک کردن به ساخت حوزه

علمیه در قم

به استناد اسناد ساواک، حضرت امام در بهار سال ۱۳۴۳ در نامه‌ای از آیت‌الله پیشوایی تقاضا می‌کند که برای ساخت حوزه علمیه قم، کمک‌هایی از مردم بندر انزلی دریافت گردد. آیت‌الله پیشوایی هم در مسجد جامع^۱ سخنرانی کرده و ضمن تقاضا از مردم برای همیاری در این مسئله، علیه یکی از وعاظ درباری^۲ نیز صحبت می‌کند.

→ پس از آن که متوجه انحرافات غرب‌زده‌های مشروطه‌طلب شد، طرح «مشروطه مشروعه» را ارایه کرد. تصویب قانون نظارت مجتهدین بر مصوبات مجلس شورای ملی از بزرگترین دستاوردهای او بود که در آینده الگویی برای شورای نگهبان در جمهوری اسلامی شد. مخالفین شیخ که از سکولارهای مشروطه بودند؛ او را دستگیر و در یک دادگاه فرمایشی محکوم به اعدام کردند. سرانجام این حکم در سیزده رجب سال ۱۳۲۷ هـ ق اجرا شد. جلال آل‌احمد در کتاب غرب‌زدگی خود در مورد اعدام شیخ می‌گوید: «من نعش آن بزرگوار را بر سر دار هم‌چون پرچمی می‌دانم که به علامت استیلای غرب‌زدگی پس از دویست سال بر بام مملکت ما افراخته شد و اکنون در لوای این پرچم ما شبیه قومی از خود بیگانه‌ایم.»

۱. مسجد جامع در سال ۱۲۸۷ در خیابان ابودر غفاری (سپه سابق) ساخته شد. در آن زمان نام این منطقه، تازه آباد بود و نام این مسجد در ابتدای تأسیس مسجد تازه بود. بعد از تخریب مسجد خان (این مسجد یکی از مساجد قدیمی استان گیلان بود و بسیار بزرگ بود و حوادث مهم تاریخی در آن اتفاق افتاده بود. این مسجد را فردی به نام طهماسب‌خان ساخته بود و در دوران پهلوی اول تخریب شد) که مسجد جامع شهر بود؛ نام مسجد تازه به مسجد جامع تغییر یافت. این مسجد را جمعی از تجار مؤمن شهر زیر نظر حاج سید شفیع آقا مجتهد روحانی بزرگ شهر ساختند. در سال ۱۳۵۶ این مسجد مرمت شد و شکل امروزی را به خود گرفت. از امامان جماعت معروف آن می‌توان از سید رفیع خلخال (از فعالان مشروطه)، آیت‌الله سید حسین پیشوایی، آیت‌الله سید ابوطالب پیشوایی و آیت‌الله سید محمد جواد پیشوایی نام برد. (تاریخ جامع انزلی، همان، ج ۱، ص ۵۸۷-۵۸۵)

۲. منظور سید محمد بنی‌اسماعیلی است. وی در مراسمات و برنامه‌های رژیم در شهر به عنوان سخنران شرکت می‌کرد. بعد از انقلاب اسلامی از لباس روحانیت خلع شد.

گیرنده: ریاست سازمان اطلاعات و امنیت استان یکم
فرستنده: ساواک بندر پهلوی

بنا به اظهار آقای پیشوایی اخیراً نامه از طرف آیت الله خمینی جهت جمع آوری وجوه برای ساختمان حوزه علمیه در قم به ایشان رسید که اهالی بندر پهلوی را تشویق نمایند که کمک‌هایی بنمایند به همین منظور آقای پیشوایی روز جمعه جاری در مسجد جامع بندر پهلوی بر علیه آقای بنی‌اسماعیل واعظ پهلوی در این باره بیاناتی خواهند نمود علیهذا مقرر فرمایند چنانچه نظریاتی درباره جمع‌آوری وجوه به طریق بالا آن ساواک

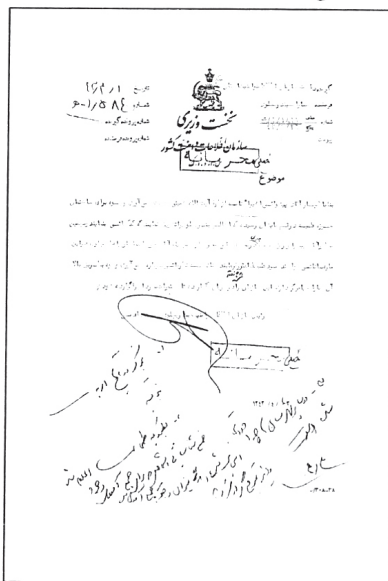
یا مرکز دارند این سازمان را هر چه زودتر در جریان گذارده تا دستورات به مورد اجرا گذارده شود.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت بندر پهلوی.
مهدی ادبی

۱- به مرکز در تاریخ ۱/۴...
بنویسد.

۲- بطوریکه طی ص اعلام شده ضمن شناسایی اشخاص که برای جمع‌آوری وجوه اعلام شده میزان وجوه جمع‌آوری شده دایره به موقع گزارش دهید.

۳- در سایر شهرستان‌ها چه اقدامی شده است. ۴/۳





نکته حائز اهمیت این است که حضرت امام (ره) در بهار سال ۱۳۴۳، یعنی زمانی که از بازداشت رژیم آزاد شده است، این تقاضا را مطرح می‌کند. علاوه بر این که طرح کمک‌رسانی و جمع‌آوری آن، برای آقای پیشوایی موجب دردسر و مزاحمت از سوی حکومت است ایشان، با توجه به دلبستگی که به حضرت امام (ره) دارد، این مهم را می‌پذیرد. از طرفی احتمالاً از سوی روحانیون درباری مخالفتی در این موضوع شده بود که آیت‌الله پیشوایی موضع‌گیری کرد. و مطلب آخر این که ساواک نسبت به این مسئله واکنش نشان می‌دهد. چون از یک طرف به دنبال افرادی است که این کمک‌ها را جمع‌آوری کرده و به قم ارسال می‌کنند و از طرف دیگر به دنبال کسانی است که در ساخت حوزه علمیه کمک کردند و می‌خواهد آنها را شناسایی کند. ساواک می‌توانست از این راه علاقه‌مندان امام را بشناسد.

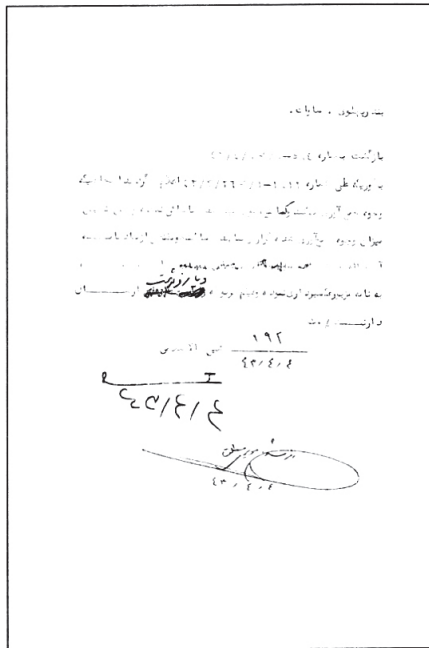
بازگشت به شماره ۵۸۴۰-۱/۵/۴۳/۴

به طوری که طی شماره ۱۸۱۲-۱/۵/۲۶/۳/۴۳ اعلام گردید اشخاصی که وجوه جمع آوری می کنند و کسانی که پول می دهند شناسایی نموده و ضمن تعیین میزان وجوه جمع آوری شده گزارش نمایند. ضمناً به نحو مقتضی از مفاد نامه آیت الله خمینی [..ناخوانا] به نامه مزبور عکسبرداری نموده و فیلم مربوطه و یا رونوشت ارسال دارند٪

۱۹۲-۴۳/۴/۴ شیخ الاسلامی

رمز شد... مطلق

۱۳۴۳/۴/۴





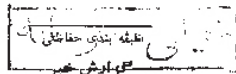
مجلس وعظ حجت الاسلام فلسفی^۱ در انزلی

حجت الاسلام محمدتقی فلسفی از وعاظ مشهور کشور است که هم از افراد معتمد حضرت امام (ره) محسوب شده و هم در نهضت اسلامی امام، نقش پررنگی ایفا کرده است. او در اوایل تابستان سال ۱۳۴۶، سفری تبلیغی به رشت و بندر انزلی انجام می‌دهد که در این سفر پنج روزه، مسجد بی‌بی حوریه انزلی^۲ محل سخنرانی ایشان بود. محتوای صحبت ایشان در خصوص مسائل اخلاقی و شخصیت پیامبر اسلام (ص) و نقش یک رهبر در جامعه اسلامی بود و بر اساس شناختی که از آقای فلسفی و نوع صحبت‌هایشان وجود دارد، می‌توان بیان کرد که ایشان صحبت‌هایش رنگ و بوی سیاسی دارد. چون مسئله نقش رهبر و ویژگی‌های آن، چنان حائز اهمیت بوده که ساواک، آن را رصد کرده و درباره‌اش گزارشاتی داده است. در این سفر که به همراهی آیت‌الله ضیاءیری (از علمای رشت) و با استقبال گروه زیادی از مردم صورت می‌گیرد، دو نفر در بندر انزلی نقش میزبانی‌شان را برعهده دارند که نام این دو در اسناد ساواک نیز ذکر شده است: آیت‌الله پیشوایی و شیخ احمد سلطانی. احمد سلطانی که شاگرد آیت‌الله پیشوایی است، در آن زمان پیش‌نماز «مسجد بی‌بی حوریه» بوده و اکثر دعوت‌هایی که از وعاظ شهیر در شهر انجام می‌شده، از سوی ایشان و به دستور آقای پیشوایی صورت می‌گرفته است. حضور آقای فلسفی حتی مورد توجه ساواک مرکز نیز بوده و آنها طی پیغامی به ساواک گیلان، خواهان تحت مراقبت قرار گرفتن وی شدند.

۱. محمدتقی فلسفی متولد ۱۲۸۷ در تهران است. او فرزند آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا تنکابنی از علمای مشهور مازندران و تهران بود. فلسفی از وعاظ معروف کشور بود که سخنرانی‌های اخلاقی و سیاسی او زبانزد خاص و عام بود. وی در ماجرای ملی شدن صنعت نفت و مبارزات نهضت اسلامی امام خمینی (ره) فعالیت داشت. محمدتقی فلسفی در سال ۱۳۷۷ در تهران درگذشت. (زبان گویای اسلام، حجت الاسلام فلسفی به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی‌های اسناد تاریخی، اردیبهشت ۱۳۷۸).

۲. در قسمت شرقی انزلی در محله شالور بقعه‌ای منتسب به یکی از سادات به نام بی‌بی حوریه است. در کنار این بقعه مسجدی بنا شد که مسجد بی‌بی حوریه نام گرفت. این سخنرانی‌ها از ۱۳۴۶/۴/۵ به مدت پنج روز به مناسبت میلاد حضرت رسول گرامی اسلام (ص) بوده است.

۰۱۰۲۴۰۴۶



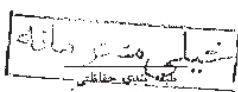
درجه فوریت

- نخستین شماره ۱ - به ۳۰۱۰۱۰۰۰
- از ۲ - از ۳۰۱۰۱۰۰۰
- شماره گزارش ۳ - شماره ۳۰۱۰۱۰۰۰
- تاریخ گزارش ۴ - تاریخ ۳۰/۱/۱۳۶۱
- پیوست ۵ - پیوست ۱
- گیرندگان خبر ۶ - گیرندگان خبر ۱
- محل ۷ - محل ۴۶/۷/۲۱
- ملاحظات حفاظتی ۸ - ملاحظات حفاظتی ۱۲

موضوع: مصادره / پیرد

بنابر دعوت آقایان نمایانری و پیشواست قرار است محمد تقی فلسفی
از روز دوشنبه پنجشنبه جاری بمدت پنج روز برشت عزیمت نماید
همچنین قرار است پس از چهار روز اقامت در برشت یکروز هم در بند ر
پهلوز پرتامای توسط نامبرده اجرا گردد .
نشریه رهبر عطایات :
نحت گزارر فوق مورد تأیید است . ب

فیل
۱۴۵



۹۰۳۲۰۴۷

تخیلی محرمات



نخست وزیر

سازمان اطلاعات امنیت کشور

تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور
(اداره کل سوم) ۳۱۶

از: ساواک (مستقل، بکرم، گملان)

شماره: ۲۹۰۹

تاریخ: ۲۴ مرداد ۱۳۵۷

پیوست:

به:

در باره: آقای محمد تقی فلسفی واهف

حطف بشماره ۲۱۶/۲۱۶۶۷ - ۳۱۶/۶ - ۴۶/۴/۶۰ نامبرده بالا در تاریخ ۴۶/۴/۶۰ بنابعد عت حاج شیخ محمد سلطانی واهف از طرف هیئت مدیره مسجد بی بی خدیجه بندر پهلهوی به آید شهرستان وارد و مدت پنج روز در مسجد یا د شده فوق بترتیب بهرامون بعثت حضرت رسول (ص) وفتقر بکه رهبر وپاره دیگری امور اخلاقی صحبت نمود در اغلب سخنرانیهای نامبرده روسای ادارات بندر پهلهوی وند های ازطریق سازمان وادعای سرشناس رشت بندر پهلهوی حضور داشته اند .

مشارالیه پس از مدت پنج روز سخنرانی در بندر پهلهوی بنابعد عت حاج سید محمود ضیاءیری برشت وارد و مدت ده روز نیز در مسجد کاسه فروشان رشت در باره شخصیت بحث نمود . محل سکونت وی در رشت منزل آقای سید محمود ضیاءیری بود و چند روز نیز بنابعد عت آقایان شیخ های حسام . حاج حسین خوشبین . شیخ محمد لا کانی . حاج محمد علی صدر ایشگری و حاج اعتماد شمس گیلانی برای صرف نهار منزل نامبرده گان رفته است که در چهار منزل آقایان ضیاءیری و اشگری آقایان استاند ارستان بکرم نیز حضور داشته اند .

بمنظوره روزی هفت مشارالیه در مسجد کاسه فروشان سخنرانی و هزارریال از طرف سازمان رشت جمع آوری که از این مبلغ پنجاه هزارریال بخود آقای فلسفی صیبت هزارریال نیز بقای ضیاءیری و همریان وی پرداخت گردیده است . نامبرده انروز ۴۶/۴/۲۰ نیز بنابعد عت حاج سید ابوالقاسم ارباب امام مسجد بالا محله قومن بمنظوره روزی هفت در آن مسجد به قومن بمنزمت نموده که بگوینگی سخنرانیها و توقف نامبرده در آن شهرستان نیز موقع گزارش خواهد شد .

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان بکرم . شیخ الاسلامی .

مستند ۱۱۵

۱۱۵



به : ساواک رشت

تاریخ : ۴۶/۴/۶

از : مرکز

شماره : ۳۱۶/۲۴۴۶۷

در تاریخ ۴۶/۴/۵ محمدتقی فلسفی واعظ معروف تهران طبق دعوت قبلی برشت عزیمت و قرار است به بندر پهلوی نیز مسافرتی بنماید. دستور فرمائید بنحو غیر محسوس و بدون آنکه مزاحمتی برایش ایجاد شود اعمال و رفتار و تماسهای ویرا تحت نظر قرار داده و نتیجه را ضمن تعیین تاریخ

مراجعت و خلاصه‌ای از
سخنرانیهایش اعلام دارند.

مقدم

از طرف لیقوانی

رهبر عملیات - صالحی

۴۶/۴/۶

رئیس بخش ۳۱۶ - باصری

نیا ۴۶/۴/۶

رئیس اداره یکم عملیات

ثابتی

۴۶/۴/۶

تکالیفات ماده

- | | |
|----------------------------------|--------------|
| ۱- در روز شنبه توسط | ۲- ساواک رشت |
| ۳- وقت تمام بلافاصله پس از تکلیف | ۴- مرکز |
| ۵- در تاریخ | ۶- ۱۳/۴/۶ |
| ۷- در شهر | ۸- روستا |

خیلی محرمانه

در تاریخ ۱۳/۴/۵ محمدتقی فلسفی واعظ معروف تهران طبق دعوت قبلی برشت عزیمت و قرار است به بندر پهلوی نیز مسافرتی بنماید. دستور فرمائید بنحو غیر محسوس و بدون آنکه مزاحمتی برایش ایجاد شود اعمال و رفتار و تماسهای ویرا تحت نظر قرار داده و نتیجه را ضمن تعیین تاریخ مراجعت و خلاصه‌ای از سخنرانیهایش اعلام دارند.

از دستورات این امر اعلام دارند.

محمدتقی فلسفی

رهبر عملیات و صالحی

رئیس بخش ۳۱۶ - باصری

نیا ۴۶/۴/۶

رئیس اداره یکم عملیات

ثابتی

۴۶/۴/۶

خیلی محرمانه

۳۱۶
بایگانی شود

توجه داشته باشید که این امر به صورت کلیت خود کتبی و نه شفاهی است.

۱۳۴۶/۳

سفر تبلیغی آیت الله خامنه‌ای به انزلی

یکی از رخداد‌های تاریخ انقلاب، حضور تبلیغی آیت الله خامنه‌ای به این شهر است. ایشان که از شاگردان و یاران امام بود، در یک سفر تبلیغی از روز ۱۲ آذر تا ۱۱ دی ماه سال ۱۳۴۶- که مصادف با ماه رمضان بود- به انزلی سفر و در خانه آقای دارچینی^۱ اقامت می‌کنند. ایشان در این ماه، در چند مسجد برنامه داشتند که اصلی‌ترین آن در «مسجد قائمیه» و مسجد روستای «کپورچال»^۲ بوده است. ساواک در سندی اعلام می‌کند که ایشان مجوز سفر تبلیغی در انزلی را دارند.



آیت الله خامنه‌ای، دهه ۴۰ سفر تبلیغی به انزلی به همراه سید محمد جواد فضل الله

۱. مرحوم آقای دارچینی (یا فریدون پویا) از مؤمنین شهر و عضو هیئت امناء مسجد قائمیه بود. او نام مسجد آخر را به مسجد قائمیه تغییر داد. (تاریخ جامع انزلی، همان، فصل تاریخ اماکن مذهبی)
 ۲. روستای کپورچال در منطقه چهار فریضه و در قسمت غرب انزلی است.

نخست وزیر
سازمان اطلاعات امنیت کشور
 س.ا.ا.ک

از: **سا و هندی ربهلوی**
 شماره: **۱۳۹۵/هـ**
 تاریخ: **۴۶/۱/۱۹**
 پیوست:
 به:

رأست سازمان اطلاعات و امنیت استان یکم

در باره: **ما مبارک رمضان**

وعاظ مشروحه زیر که در مساجد این شهرستان پخش میگردند در صورتها یا رسانی (منوع المنبر)
 نمیدانند و طبق اطلاعات واصله تا بهر دوگان وسیله شخصی بنام نجفی در قم که اردوستان
 حاج موسوی فتح علیزاده میباشد بهمانجا مساجد معرفی گردید و اندک عیبها با توجه به اینکه
 آقای حاج موسوی فتح علیزاده بنظر این سا و انا وظرفه ارا ن خیمینی بوده و از طرف دیگر
 وعاظ وسیله آقای نجفی بنا بر توصیه تا بهر دو جهت موعظه با این شهرستان وارد گردید و مانند
 لذا مقرر گردید سوا بق آقای نجفی را در مرکز بررسی و اعلان نماید که آیا مشا را لیه ارای چسبایی
 بود و یا وظرفه ارا ن خیمینی میباشد یا خیر. - ص

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت بند ربهلوی - موسوی

۱۹۱۹

محرمانه

- ۱- **تاسیخ فائده اس**
- ۲- **تسخیر الیکتر**
- ۳- **حاج نجف میرزا قمر شیرین**
- ۴- **تسخیر نجف ام و غفر**



در روزهای نخست حضور ایشان، جریانی در روستای کپورچال اتفاق افتاده است که شاهدان عینی چنین روایت کرده‌اند: آیت‌الله خامنه‌ای در دو، سه روز اولی که به منبر می‌روند، برخلاف عادت مرسوم وعاظ، در انتهای سخنرانی، دعا برای شاه نمی‌کنند. این امر موجب می‌شود که بعضی به ایشان اعتراض کرده و درخواست دعا برای شاه کنند. ولی وی از انجام این درخواست، طفره می‌رود که باعث می‌شود بعضی طرفداران شاه از ادامه حضورشان ممانعت کنند و عذرشان را خواستند. نکته مهم این است که چنین جریانی در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ نیز در این روستا برای وعاظ دیگری رخ می‌دهد که همگی به وسیله ساواک ثبت شده است.^۱ آیت‌الله خامنه‌ای در سفری که در ۱۳ اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۰ به بندر انزلی داشتند، ضمن بیان این خاطره، به تحلیل موقعیت شهر و مردم آن می‌پردازند که به گوشه‌ای از آن اشاره می‌کنیم:

سال‌ها قبل به بندر انزلی آمده‌ام. در این شهر روزهای متمادی بودم. با این شهر و مردم این شهر و روحیات مردم تا حدودی آشنا هستم. مردم با استعداد و خون‌گرم؛ مردم با نشاط و عمیقاً برخوردار از دیانت. این یک قضاوت واقع‌بینانه است. اگر کسی درست تأمل کند، در آن تلاش و فعالیت سازمان‌یافته و بسیار انبوه و مترامکی که برای دور کردن این مردم از دین بر سر این شهر بارید، این حرف را تصدیق خواهد کرد... وابستگان به رژیم فاسد می‌خواستند این شهر را یک جا وابسته و متعلق کنند به دربار فاسد پهلوی، اسمش را عوض کردند، فعالیت‌های تبلیغاتی به نفع رژیم گذشته در اینجا انجام دادند. از همه ابزارهای تبلیغی هم استفاده کردند. من یک ماه در این شهر در سی و چهار سال پیش ماندم و از نزدیک دیدم که از چه ابزارهایی استفاده می‌کنند. هم در خود این شهر سخنرانی می‌کردم، هم در بخش کپورچال که آنجا هم چند روزی رفتم و با مردم آنجا هم آشنا شدم. دیدم از تمام وسایل تبلیغی استفاده می‌کنند که دل این مردم و ذهن این مردم را وابسته کنند به رژیم فاسد پهلوی. از سپاهی دانش گرفته تا اگر که دست‌شان می‌رسید، به یک عمامه به سر،^۲ تا بقیه ابزارهای

۱. این نکته در مصاحبه‌های متعدد از زبان مردم شهر بیان شده است که چند روز از منبر ایشان نگذشته بود و ایشان در پایان منبر به شاه دعا نمی‌کردند که رحمت جای بیجاری - کدخدای وقت - و فردی به نام «درویشان» اعتراض کرده و عذر ایشان را می‌خواهد. در گزارش دیگری از ساواک آمده است که مشابه چنین جریانی برای سید حسین علوی وعاظ و اسدالله غفاری نیز در دهه ۵۰ روی داده است. به طوری که اهالی روستا حتی با آمدن آقای غفاری در سال ۵۱ به دلیل این که ایشان در محرم گذشته دعا نمی‌کردند، استنکاف ورزیدند! (گزارش تاریخ ۱۳۵۲/۸/۱)

۲. این مسئله تأکیدی است به این که رژیم در انزلی از روحانیون ساده‌اندیش و ناآگاه و بعضاً منفعت‌طلب جهت تبلیغ سود می‌برد.

تبلیغی. دستگاه‌های رسمی که هم در اختیار خودشان بود. اسم اینجا راهم که عوض کرده بودند به اسم خودشان گذاشته بودند.^۱

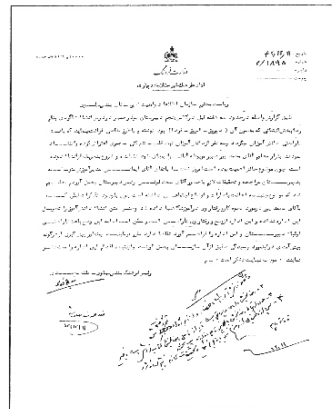
فعالیت فرهنگیان

فعالیت‌های صوری رژیم گرچه توانست عوام را از تحولات اجتماعی دور دارد و به ناآگاهی آنان دامن زند، اما طبقه روشنفکر و تحصیل کرده معمولاً به این اصلاحات روبنایی رضایت ندادند. فرهنگیان (پرسنل وزارت آموزش و پرورش) از جمله این گروه بودند. آنان از حضور در کلاس درس استفاده می‌کردند و انتقادات خودشان را - در لابه‌لای درس به طور غیر مستقیم یا با اشاره به حوادث اجتماعی روز - نسبت به رژیم مطرح می‌کردند.

ریاست محترم سازمان اطلاعات و امنیت شهرستان بندر پهلوی

طبق گزارش واصله در حدود سه هفته قبل در کلاس پنجم دبیرستان بوذرجمهر در درس انشاء شاگردی به نام رضابخش انشائی که مضمون آن (دیروز - امروز - فردا) بود نوشته و با طرز خاصی قرائت می‌نماید که باعث ناراحتی دانش‌آموزان می‌گردد و سه نفر از دانش‌آموزان نیک قلب - تنهائی - [بوی] اعتراض کرده و انتقاد نمودند به قرار معلوم آقای محمدپور دبیر مربوطه آنان را بجای خود نشانده و شروع به تعریف از انشاء نموده است چون موضوع حائز اهمیت بوده است امروز شخصاً به اتفاق آقای ایمانی

مدیر آموزش متوسطه دبیرستان مراجعه و تحقیقات لازم با حضور آقای سعدلونی رئیس دبیرستان به عمل آوردم معلوم شد که موضوع جنبه اهانت پادارات و اوضاع اجتماعی داشته است چون با وجود تذکرات قبلی که به آقای محمدپور در مورد نحوه کار و رفتار وی در آموزشگاه‌ها داده شد و حتی متن انشاء دانش‌آموز را تحویل این اداره نداده و این اداره از وضع و رفتار وی ناراضی است و ممکن



است ادامه این وضع باعث ناراحتی اولیاء دبیرستان و این اداره را فراهم آورد. تقاضا دارد مقرر فرمایند به منظور پیشگیری از هرگونه پیش آمدی در این مورد رسیدگی دقیق از آن سازمان به عمل آورند و از نتیجه اقدام این اداره را مستحضر نمایند. موجب نهایت تشکر است.

رئیس فرهنگ بندر پهلوی - ملک محمدی

مرادی

۱- پدران سه نفر دانش‌آموزان احضار و از نامبردگان تعهد گرفته شود.

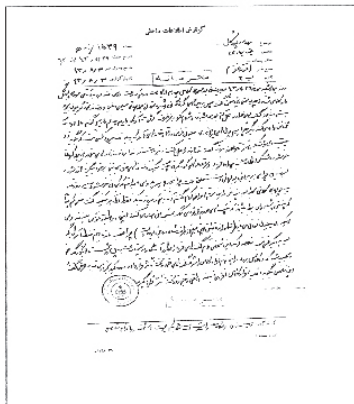
۱. رنگ/ایمان؛ مجموعه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری در گیلان، همان، ص ۷۰-۶۹.



گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: مهدی پورگل

روز چهارشنبه مورخه ۴۳/۷/۲۹ در دبیرستان بوذرجمهری کلاس چهارم ادبی ساعت دوم که ساعت درس فقه بوده آقای مهدی پورگل وارد کلاس شدند راجع به معنی دین سخن گفت سپس به دین‌های گوناگون اشاره نمود از جمله بهائی، مسیحی و غیره و اضافه نمود که چون بچه هستم باید نماز گفته‌های خداوند عمل کند بعد به حاشیه زد و شروع کرد به مزخرف‌گوئی تا امریکا داریم چه غم داریم گندم ما را او تن تن وارد می‌کند دیگر [چه]



می‌خواهیم پول‌های ایران ۷۰ میلیون تومان در قمارخانه‌های امریکا بساد فنا می‌رود کسی نیست که بگوید آن [..ناخوانا] چیست ولی وقتی که ۲۰ نفر می‌خواهند بروند گفته خداوند را عمل کنند و به زیارت خانه خدا بروند روزنامه‌های مزدور از جمله کیهان خوشه روشنفکر اطلاعات بنای داد و فساد و سرمقاله‌های گوناگون چاپ می‌کنند و قیافه‌های حق به جانی به خود می‌گیرند ارز کشور به

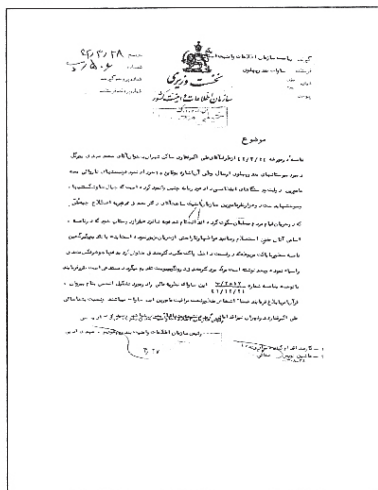
عربستان چرا می‌برید این پول‌هایی است متعلق به ملت چرا به خارج می‌برید ولی ما می‌دانیم که کیهان خوشه و سایر روزنامه‌ها چه پول‌های کلانی به هدر می‌دهند من در این موقع اعتراض کردم آقایانی که می‌روند به مکه فقط ظاهر می‌کنند گفت خیلی کم پیدا می‌شود که چنین باشند ولی پیدا می‌شوند که چک‌های صد هزار تومانی کمک به مستحدمان صادر می‌کنند اینها دو طبقه مؤمن هستند ولی این که ۷۰ میلیون تومان می‌بازد (منظور از باختن این مبلغ از طرف شاه در وین بوده است) چرا عقب مانده‌ایم فقط امریکا گندم می‌دهد

غمی نیست خلاصه این که این شخص تمام گفته‌های فردا را به طور آشکار در این ساعت بیان داشت تا این که زنگ خورد و مجبور شد که از کلاس برود در اینجا تمام افراد کلاس را متوجه گفته‌های خود و تحت تأثیر قرار داده در حالی که به جز درس نباید حرفی گفته شود این شخص می‌گوید اغلب افراد کلاس افرادی هستند دهاتی و خیلی زود تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

گیرندگان: ریاست سازمان اطلاعات و امنیت استان یکم جهت استحضار و اقدام مقتضی

از دیگر فعالیت‌های فرهنگیان در آن دوران، پخش نشریات و اعلامیه‌ها یا اخبار کشور بود و تلاش می‌کردند فضای سیاسی شهر را گرم نگه داشته و با ارتباطی که با دیگران در سایر شهرها داشتند، می‌توانستند به این اطلاعیه‌ها دست یابند و از طریق ارتباط چهره به چهره، آن را ترویج دهند.

نامه در مورخه ۴۲/۳/۲۴ از طرف آقای علی اکبر غفاری ساکن تهران به عنوان آقای محمد مهدی پورگل دبیر دبیرستانهای پندر پهلوی ارسال و طی آن اشاره به وقایع ۱۵ خرداد نموده و نسبت‌های ناروایی به مامورین دولت و دستگاه‌های انتظامی داده و در نامه چنین وانمود کرده است که چپال‌ها (چپاولها) و شکستنها و سوختنها به دست دو هزار نفر مامورین سازمان امنیت ساخت آقای دکتر مصدق رهبر به اصطلاح جبهه ملی که در جریان قیام مردم مسلمان سکوت کرده‌اند انجام شده و به شانزده نفر از دوستان خود که در نامه اسامی آنان مندرج است سلام رسانیده و اظهار ناراحتی از جریان مزبور نموده است. اینک با تقدیم یک برگ عین نامه منظور با پاکت



مربوطه که در قسمت داخل پاکت عکس دکتر مصدق منقوش گردیده و با جوهر عکس مصدق را سیاه نموده و بعد نوشته است مرگ بر دکتر مصدق دروغگو به پیوست تقدیم می‌گردد مستدعی است مقرر فرمایند با توجه به نامه شماره ۲۵۱۷/ب این ۴۱/۱۲/۲۱ ساواک نظریه عالی را در مورد تشکیل انجمن به نام پیروان قرآن امر به ابلاغ فرمایند ضمناً اشخاص منظور تحت مراقبت مامورین این ساواک می‌باشند و نسبت به شناسایی علی‌اکبر

غفاری در تهران نیز اقداماتی گردیده نتیجه متعاقباً به عرض خواهد رسید. رئیس سازمان اطلاعات و امنیت پندر پهلوی. مهدی ادبی

- ۱- کارمند اقدام‌کننده مرادی
- ۲- ماشین‌نویس صفائی



گیرنده: ریاست سازمان اطلاعات و امنیت استان گیلان

فرستنده: ساواک بندر پهلوی

روز دوشنبه مورخ ۲۶/۱۲/۴۲ ساعت ۱۶۰۰ مأمورین ساواک با ناصر برنجی فرزند حسن دارنده شناسنامه شماره ۳۶۰۱۱ متولد ۱۳۲۳ بندر پهلوی تماس حاصل نموده و ناصر برنجی به مأمور چنین اظهار داشته که تمام نشریه‌ها اعم از جبهه ملی نشریه فرهنگی و یا واعظین به وسیله شخص به نام فرداد لیسانسه [لیسانسیه] ریاضی که فعلاً در دبیرستان شاهپور رشت تدریس می‌کند و منزل مسکونی وی در پهلوی در منزل خود ما است به پهلوی می‌رسد البته آقای فرداد سابقاً هر روز از رشت می‌آمد به پهلوی ولی

چون دید او را در این محیط کوچک خواهند شناخت در حال فعلی هر وقت تعطیل می‌شود به پهلوی می‌آید آقای فرداد همراه به تهران می‌رود و نشریه‌ها را مستقیماً به پهلوی آورده و آن مقدار نشریه که برای پهلوی کافی است به یعقوب محمدپور و بهمن ازگمی می‌دهم زحمتی [و حتی] خود من هم در بین فرهنگیان پخش می‌کنم و بقیه را من شخصاً از پهلوی به رشت می‌برم مأمور با توجه به تماس قبلی به ناصر

کریستال ساینس، دانش و فناوری، ۱۳۸۵، شماره ۳۷، صفحه ۳۸-۳۹

فرستنده: ریاست ساواک بندر پهلوی

گیرنده: ریاست سازمان اطلاعات و امنیت استان گیلان

موضوع: نشریه فرهنگی

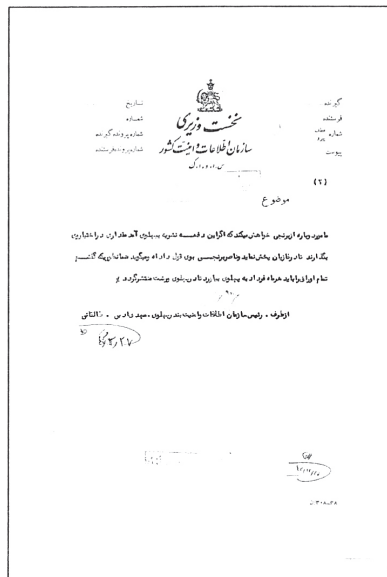
روز دوشنبه مورخ ۲۶/۱۲/۴۲ ساعت ۱۶۰۰ مأمورین ساواک با ناصر برنجی فرزند حسن دارنده شناسنامه شماره ۳۶۰۱۱ متولد ۱۳۲۳ بندر پهلوی، تماس حاصل نموده و ناصر برنجی به مأمورین چنین اظهار داشته که تمام نشریه‌ها اعم از جبهه ملی نشریه فرهنگی و یا واعظین به وسیله شخص به نام فرداد لیسانسه [لیسانسیه] ریاضی که فعلاً در دبیرستان شاهپور رشت تدریس می‌کند و منزل مسکونی وی در پهلوی در منزل خود ما است به پهلوی می‌رسد البته آقای فرداد سابقاً هر روز از رشت می‌آمد به پهلوی ولی چون دید او را در این محیط کوچک خواهند شناخت در حال فعلی هر وقت تعطیل می‌شود به پهلوی می‌آید آقای فرداد همراه به تهران می‌رود و نشریه‌ها را مستقیماً به پهلوی آورده و آن مقدار نشریه که برای پهلوی کافی است به یعقوب محمدپور و بهمن ازگمی می‌دهم زحمتی [و حتی] خود من هم در بین فرهنگیان پخش می‌کنم و بقیه را من شخصاً از پهلوی به رشت می‌برم مأمور با توجه به تماس قبلی به ناصر

برنجی اظهار می‌دارد رفیق تو باید خیلی احتیاط کنی مخصوصاً موقعی که به رشت نشریه می‌بری و به محض این که احساس خطر کردی نشریه را فوراً از ماشین بیرون بیاورد تا دیگر ناراحتی بعداً برای تو پیش نیاید. ناصر برنجی می‌گوید خاطر جمع باش من با کمال احتیاط مأموریت خود را انجام می‌دهم البته به وسیله آقای فرداد قبلاً در رشت به آقای دکتر داوران معرفی شدم نشریه‌ها را از پهلوی به رشت برده و در مطب به دکتر داوران تحویل می‌دهم و بعداً به اتفاق فرداد رشت و وسیله عوامل مربوط پخش می‌گردد. مأمور دودباد از

خواهش می‌کند که اگر این دفعه نشریه پهلوی آمد مقداری در اختیار وی بگذارند تا در غازیان پخش نماید و ناصر برنجی به وی قول داده و می‌گوید همان طوری که گفتم تمام اوراق را باید هر ماه فردا به پهلوی بیاورد تا در پهلوی و رشت منتشر گردد. از طرف.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت بندر پهلوی، مهدی ادبی، طالقانی

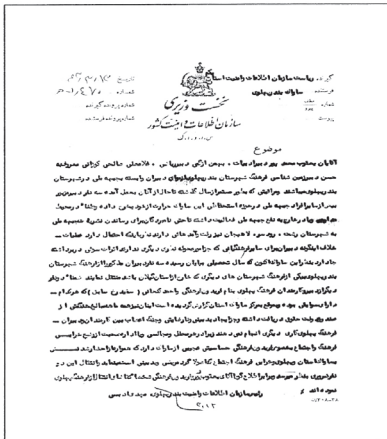
۴۲/۱۲/۲۷



گیرنده: ریاست سازمان اطلاعات و امنیت استان یکم
فرستنده: سازمان بندر پهلوی

آقایان یعقوب محمدپور دبیر ادبیات، بهمن ازگمی دبیر ریاضی، غلامعلی صالحی کوزانی معروف به حسن دبیر زمین‌شناسی فرهنگ شهرستان بندر پهلوی از دبیران وابسته به جبهه ملی در شهرستان بندر پهلوی می‌باشند و مراقبتی که به طور مستمر از سال گذشته تا حال از آنان به عمل آمده سه نفر دبیر مزبور بیش از سایر افراد جبهه ملی در حوزه استحفاظی این ساواک حرارت از خود به خرج داده و علناً در محیط مدارس و یا در خارج به نفع

جبهه ملی فعالیت داشته تا حتی نامبردگان برای رساندن نشریات جبهه ملی به شهرستان رشت، رودسر، لاهیجان نیز رفت و آمدهائی دارند نظر به این که احتمال دارد عملیات خلاف اینگونه دبیران برای سایر فرهنگبانی که جز امور محوله نظر دیگری ندارند اثرات سوئی در برداشته جا دارد به نظر این ساواک اکنون که سال تحصیلی به پایان رسیده سه نفر دبیران مذکور را از فرهنگ شهرستان بندر پهلوی به یکی از فرهنگ



شهرستان‌های دیگری که خارج از استان گیلان باشد منتقل نمایند. ضمناً دو نفر دیگر از دبیر و کارمندان فرهنگ پهلوی به نام فریدون فرهنگی و احمد کتغانی (سفید رخ سابق) که هر کدام دارای سوابقی بوده و به موقع به مرکز ساواک استان گزارش گردیده است اینان نیز همه ماهه مبالغ هنگفتی از صندوق دولت حقوق دریافت داشته و جزء ایجاد بدبینی و ناراضیاتی و جنگ اعصاب بین کارمندان و دبیران فرهنگ پهلوی کار دیگری انجام نمی‌دهند زیرا در هر محفل و مجالسی و یا اداره صحبت از وضع خرابی فرهنگ و

خصوص فریدون فرهنگی حساسیت عجیبی از ساواک دارد که همواره از احضار شدنش به ساواک استان و پهلوی و خرابی فرهنگ اجتماع که اصولاً فرد مریض و بدبینی است می‌نماید و انتقال این دو نفر ضروری به نظر می‌رسد و برابر اطلاع گویا آقای یعقوب محمدپور و فریدون فرهنگی شخصاً تقاضای انتقال از فرهنگ پهلوی نموده‌اند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت بندر پهلوی. مهدی ادبی ۴۳/۳/۱۲

گیرنده : ریاست سازمان اطلاعات استان یکم
فرستنده : ساواک بندر پهلوی

روز ۴۳/۴/۶ در حین کنترل پست نامه از نجف اشرف از طرف شخصی به نام عبدالمجید الثائر به این عنوان ایران بندر پهلوی - توسط آقای پیشوائی محضر مقدس دانشمند مجاهد جناب آقای گل پور (منظور محمد مهدی پورگل) داماد آقای حاج امام جمعه پیشوائی دبیر دبیرستان های فرهنگ پهلوی می باشد رسیده بود پس از گشایش پاکت محتوی آن یک شماره روزنامه ایران آزاد ارگان سازمان های جبهه ملی

ایران در اروپا شماره سوم سال دوم نیمه اول اسفند ماه ۱۳۴۲ که نمونه آن در ایام تعطیلات عید برای افراد وابسته به جبهه ملی به پهلوی رسیده بود و در مرکز ساواک استان موجود است لذا مراتب جهت استحضار به عرض می رسد و عین روزنامه در پرونده محمد مهدی پورگل ضبط و تحت مراقبت می باشد. %
رئیس سازمان اطلاعات و امنیت بندر پهلوی.
مهدی ادبی

گیرنده: ریاست سازمان اطلاعات استان یکم
فرستنده: ساواک بندر پهلوی
تاریخ: ۴۳/۴/۶
شماره: ۴۳۳
موضوع: خطی به ریاست سازمان اطلاعات استان یکم

ریاست سازمان اطلاعات و امنیت استان یکم
موضوع: خطی

دور ۴۳/۴/۶ در حین کنترل پست نامه از نجف اشرف از طرف شخصی به نام عبدالمجید الثائر به این عنوان ایران بندر پهلوی - توسط آقای پیشوائی محضر مقدس دانشمند مجاهد جناب آقای گل پور (منظور محمد مهدی پورگل) داماد آقای حاج امام جمعه پیشوائی دبیر دبیرستان های فرهنگ پهلوی می باشد رسیده بود پس از گشایش پاکت محتوی آن یک شماره روزنامه ایران آزاد ارگان سازمان های جبهه ملی ایران در اروپا شماره سوم سال دوم نیمه اول اسفند ماه ۱۳۴۲ که نمونه آن در ایام تعطیلات عید برای افراد وابسته به جبهه ملی به پهلوی رسیده بود و در مرکز ساواک استان موجود است لذا مراتب جهت استحضار به عرض می رسد و عین روزنامه در پرونده محمد مهدی پورگل ضبط و تحت مراقبت می باشد. %
رئیس سازمان اطلاعات و امنیت بندر پهلوی - مهدی ادبی

خطی به ریاست سازمان اطلاعات استان یکم
۱۳۴۲/۴/۶





در میان معلمان، سه گرایش عمده وجود داشت: گرایش مربوط به طیف اسلامی و انقلابی که با تربیت دانش آموزان فاضل و مؤمن، به تغییر نگرش آنان و گرایش به سمت دینداری مشغول بودند که محمد مهدی پور گل و محمد علی گنجه‌ای فر از این گروه هستند و گرایش دیگر از گرایشات ملی یا چپ گرایانه برخوردار بودند و به واسطه نفوذ جریان ملی، پس از دهه ۳۰ یا تأثیر حزب توده به فعالیت و تبلیغ اندیشه‌های خود مشغول بودند. از فعال‌ترین شخصیت‌های فرهنگی مبارز در این دوره کوتاه می‌توان به یعقوب محمدپور،^۱ بهمن ازگمی و غلامعلی صالحی اشاره کرد. در اوایل دهه ۴۰ فعالیت این قشر چشم‌گیر بوده است. شواهد نیز نشان‌گر این است که ساواک فعالیت فرهنگیان را زیر نظر داشته و به دقت هر یک از معلمان را رصد کرده و برخی از جریان‌ات دانش‌آموزی را منتسب به فرهنگیان متعرض می‌دانسته است و البته همه این فعالیت‌ها را به گروه‌های ملی نسبت می‌داده است. برخی از این گزارشات را مرور می‌کنیم:

یعقوب محمدپور دبیر جدیدالاستخدامی بود که در زمان حضورش در انزلی، دست به فعالیت‌های مذهبی-سیاسی زده و به نوعی رهبری گروه فرهنگیان مخالف را بر عهده داشته که این مسئله در گزارشات سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۴ ساواک، به خوبی مشهود است. وی از هر فرصتی استفاده لازم را می‌برد؛ از تشویق دانش‌آموزان مخالف به اعتراض یا شعارنویسی تا تشکیل جلسات با فرهنگیان مخالف؛ که این امر موجب می‌شود ساواک هم فعالیت‌های او را زیر نظر گرفته و مورد مراقبت شدید قرار گیرد.

۱. یعقوب محمدپور در سال ۱۳۱۶ متولد شد. وی دارای مدرک کارشناسی ادبیات است. به خاطر فعالیت‌های سیاسی از انزلی به لاهیجان منتقل شد. در سال ۵۴ توسط ساواک دستگیر شد. در تظاهرات‌های انقلابی لاهیجان فعال بود. در سال ۱۳۶۶ از اداره آموزش و پرورش بازنشسته شد. در حال حاضر ساکن شهرستان لاهیجان است. (انقلاب اسلامی گیلان به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی‌های اسناد تاریخی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۹)

ریاست سازمان اطلاعات و امنیت استان یکم

اظهارات شخص مزبور با توجه به هدایت و کسب اطلاع از مخبر به نظر این ساواک صحیح است به این نحوی که محمد سلطانی هرگونه نشریه و نوشته و اطلاعات که از طریق جبهه ملی در شهرستان بندر پهلوی و یا احیاناً از جاهای دیگر به دست می‌آورد بلافاصله با مخبر این ساواک در میان می‌گذارد و به‌طور حتم چنانچه زمینه نیز برای نامبرده مساعد باشد از فعالیت خود دست بردار نبوده و یکی از افراد مورد اعتماد جبهه ملی در پهلوی است که هرگونه نشریه و یا روزنامه به پهلوی می‌رسد به نامبرده می‌دهند که پس از مطالعه به دیگران بدهد حتی عکس مصدق جهت فروش

به وی داده شده بود که بعضی از افراد جبهه ملی از جریان فروش عکس مصدق اطلاعی نداشتند که مراتب به موقع به عرض رسید و اما در مورد فعالیت یعقوب محمدپور دبیر ادبیات فرهنگ شهرستان بندر پهلوی فعالیت دبیر مزبور برای این ساواک تا زگی نداشته به‌طوری که از بدو ورود به شهرستان بندر پهلوی شروع به فعالیت نموده و اکنون به مرحله علنی رسیده است. همان طوری که طی شماره ۲۵۶۱/پ -

۱۳۵۶ ش/م
۱۳/۱۱/۳۰

ریاست سازمان اطلاعات و امنیت استان یکم

اینک که شخص مزبور با توجه به هدایت و کسب اطلاع از مخبر این ساواک صحیح است به این نحوی که محمد سلطانی هرگونه نشریه و نوشته و اطلاعات که از طریق جبهه ملی در شهرستان بندر پهلوی و یا احیاناً از جاهای دیگر به دست می‌آورد بلافاصله با مخبر این ساواک در میان می‌گذارد و به‌طور حتم چنانچه زمینه نیز برای نامبرده مساعد باشد از فعالیت خود دست بردار نبوده و یکی از افراد مورد اعتماد جبهه ملی در پهلوی است که هرگونه نشریه و یا روزنامه به پهلوی می‌رسد به نامبرده می‌دهند که پس از مطالعه به دیگران بدهد حتی عکس مصدق جهت فروش به وی داده شده بود که بعضی از افراد جبهه ملی از جریان فروش عکس مصدق اطلاعی نداشتند که مراتب به موقع به عرض رسید و اما در مورد فعالیت یعقوب محمدپور دبیر ادبیات فرهنگ شهرستان بندر پهلوی فعالیت دبیر مزبور برای این ساواک تا زگی نداشته به‌طوری که از بدو ورود به شهرستان بندر پهلوی شروع به فعالیت نموده و اکنون به مرحله علنی رسیده است. همان طوری که طی شماره ۲۵۶۱/پ -

۱۳۵۶ ش/م
۱۳/۱۱/۳۰

۴۲/۱۱/۲۳ به عرض رسیده است افراد وابسته به جبهه ملی بخصوص دبیران جدیدالاستخدام و دانش‌آموز مدارس نامبرده رای [را] پیشوای خود از نظر جبهه ملی در پهلوی می‌دانند با عرض مراتب معروضه به نظر این سازمان با توجه به این که فعالیت این شخص محرز گردیده و از طرفی دبیران و آموزگاران و دانش‌آموزان و افراد وابسته به جبهه ملی متوجه باشند که ساواک همواره در جریان فعالیت آنان بوده و به منظور آرامش در محیط فرهنگ پهلوی ارزش و جا دارد نسبت به انتقال یعقوب محمدپور اوامر مقتضی صادر گردد. رئیس سازمان اطلاعات و امنیت بندر پهلوی. مهدی ادبی



۰۱۴۱۳۰۵۷

موضوع فعالیت عنا سرجه‌های دیند رپهلوی شماره ۱۲۲۲۳ / ۲۰ الف
محل بند رپهلوی تاریخ حادثه
منبع خبرم - ۱۰۵ تاریخ وصول ۴۴ / ۵ / ۲۴
تقوم ب - ۲ تاریخ گزارش ۴۴ / ۵ / ۲۴

دیند رپهلوی فعالیتهای سیاسی مرکب از کلیه جناحهای درگاه درجه‌های ملی بنحو قابل توجهی وجود دارد. دانش آموزان - مسلمین - کارگران و بازاریان دارای تشکیلات منظم و مرتب میباشند. سازمان دانشجویان تحت عنوان انجمن دینی ادبی و هنری به تشکیل حوزه‌های خود میپردازند و در سال گذشته در جلسه دینی شخصی بنام اسلامی که موسس مدرسه اسلامی تهران است ضمن سخنرانی خود - هنگامیکه از او سؤال شده بود آیا مذمت در خدمت استعمار نیست؟ اظهار نموده است که مذمت در خدمت استعمار نیست بلکه این معیشت حاکمه و اعمال او است که برای اختصار خدمت میکند. و صبح روز بعد او وعده ای درباره سازمان امنیت محل اختیار گردانند سازمان دانش آموزان تعداد زیادی عضو دارد ولی فعالترین آنها (کارگر - عارفین بحری و یزد ار) هستند که کارگزار همه فعالتر و فهمیده تر و قابل مقایسه با سایرین نمیباشد. ایند اره کسی است که چندان شم سیاسی ندارد ولی بسیار فعال و با انرژی است.

وابسته افراد جبهه ملی با تهران دکتر حبیب اله پیمان و دکتر کاظم ساعی کرمانی اعضا حزب مردم ایران هستند که دکتر پیمان فعالاً در جنوب فعالیت دارد. در سازمان آموزگاران بنادی گرو و لیسانسیه فلسفه و محمد پور لیسانسیه ادبیات و جوش از همه زاده‌های و منفرد فعالیت دارند.

سازمان ارگران هم بوسیله (اعراض خوش خلق (خیاط) و مصباح ظیفی (قتله ساز) اداره میشود و مخصوصاً مصباح ظیفی محبوبیت میان کارگران و بازاریان دارد

۰۱۴۱۳۰۶۱

عطف به ۳۱۲/۲۶۴۵۱۵

- واك گيلان

۴۴/۶/۲

شماره ۱-۸۴۶۵ ع

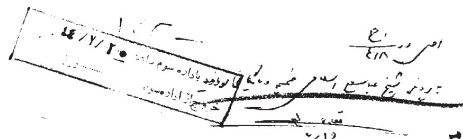
تاریخ ۴۴/۷/۳

تمسار ریاست سازمان اداره گل سوم به خفر ۳۱۲

فعالیت افراد وابسته به جبهه ملی

با دالیت‌های بی‌گرایان ساواک که درباره فعالیت افراد وابسته به جبهه ملی در -
بندر پهلوئی بعمل آمده سازمان جانا که توسط دکتر کاظم سایی گردانی و دکتر حبیب‌الله
پیمان در مرکز اداره میگردید کشف و عده‌ای از جمله شاعر خوشخلق - مصباح طالقانی
حسین زاده عیسی - حسن ایزدآرا - فیض‌الله قوبدل - رسول قادر زنجیو - سید حاشم
منفرد نیابری و سوله این ساواک دستگیر و طی شماره ۷۷۲۱-۱ ع ۴۴/۵/۲۷ بان
اداره گل اعزام گردید باند - درباره شیخ عباسعلی اسلامی نایب‌ده در سال گذشته
در بندر پهلوئی نبود بلکه در ماه رمضان سال ۴۱ به علت سفر انتهای حاد در مسجد
بندر پهلوئی علیه مصالح کشور دستگیر و تحت پیگرد قرار گرفت که خلاصه پرونده آن با
عکس طی شماره ۷۷۰۴-۱ ع ۴۴/۱۲/۱۳ تقدیم گردید به دست و سوابق - و شناسگ
کارگرمین - طی شماره ۱۰۴۳-۱ ع - ۴۳/۱۲/۲۶ و حسین عارون بحری
طی شماره ۸۱۶۸-۱ ع مورخه ۴۳/۱۰/۱۷ گزاره گردید به موخچنین فعالیت‌های
عادی گروهیستوب محمد پوری گزاره ثبات مکرر کلی به‌سوزن رسیده و حتی طی شماره
۲۳۸۱-۱ ع ۴۴/۲/۲۸ تقاضای انتقال به‌ستوب محمد پور از این استان گردیده در
باره شناسائی دانشجوی دانشکده ملی تشکک و خوا به‌نرس اقداماتی در جریان است
که نتیجه متعاقباً به‌سوزن خواهد رسید .

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان بکم - شیخ الاسلامی



۳۱۲

از سوی دیگر ساواک مرتباً سعی داشت در بین آنها، نیروی نفوذی بفرستد یا تحت عناوین مختلف، کارهای آنان را زیر نظر داشته باشد. از فحوای گزارشات ساواک برمی آید که به شدت نسبت به فعالیت فرهنگیان احساس خطر می کرده‌اند و سعی در برنامه‌ریزی جهت از هم پاشیدن آنها داشته‌اند.

با بررسی حوادث این سال‌ها به نظر می‌رسد مهم‌ترین حرکتی که فرهنگیان در دهه ۴۰ انجام دادند، مربوط به تحریم مجلس ختم حسنعلی منصور بود. این مجلس که در بهمن‌ماه سال ۱۳۴۳ در مسجد جامع برگزار شد، با تحریم فرهنگیان شهر روبه‌رو شد و فرهنگیان با عدم شرکت در این مراسم، ضمن تأیید اقدام انقلابی تروری، به رژیم کج‌دهنی کردند.

ریاست سازمان اطلاعات و امنیت استان یکم

به مناسبت درگذشت شادروان حسنعلی منصور نخست وزیر مجلس ترحیمی توسط آقای فرماندار در مسجد جامع بندر پهلوی برگزار و کلیه قاطبه اهالی بندر پهلوی به ویژه کارکنان شیلات و گمرک و بندر و شهرداری و سربازان نیروی دریائی شرکت لاکن به طوری که محسوس بود تعدادی فقط در حدود ۱۰ نفر از فرهنگیان بیشتر شرکت ننموده بودند و در ساعت ۱۱ صبح مجلس ترحیم با سخنرانی مبسوط آقای حاجی بنی‌اسماعیل خاتمه یافت. مراتب استحضاراً به عرض می‌رسد.

رئیس سازمان اطلاعات
و امنیت شهرستان بندر
پهلوی. مهدی ادبی
آقای نعمتیان

کمرده:
فرستاده:
شماره:
پست:
ریاست سازمان اطلاعات و امنیت استان یکم
موضوع

تاریخ: ۱۳۴۳/۱۱/۲۵
شماره: ۲۲۷۱-۱
موضوع: محرمات

بمناسبت درگذشت شادروان حسنعلی منصور نخست وزیر مجلس ترحیمی توسط آقای فرماندار در مسجد جامع بندر پهلوی برگزار و کلیه قاطبه اهالی بندر پهلوی به ویژه کارکنان شیلات و گمرک و بندر و شهرداری و سربازان نیروی دریائی شرکت لاکن به طوری که محسوس بود تعدادی فقط در حدود ۱۰ نفر از فرهنگیان بیشتر شرکت ننموده بودند و در ساعت ۱۱ صبح مجلس ترحیم با سخنرانی مبسوط آقای حاجی بنی‌اسماعیل خاتمه یافت. مراتب استحضاراً به عرض می‌رسد. ریاست سازمان اطلاعات و امنیت شهرستان بندر پهلوی مهدی ادبی

م. نوری
۱۳۴۳/۱۱/۲۵

۱۳۰۲-۳۸



فرهنگیان انزلی در دهه ۴۰ و مشخصاً در سال‌های ۱۳۴۲، ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴ بسیار فعال و پویا هستند. با این همه، از سال ۱۳۴۴ فعالیت‌های فرهنگیان در شهر کم‌رنگ می‌شود و عملاً تا پایان دهه ۴۰ دیگر فعالیت آشکاری از ایشان سراغ نداریم. می‌توان این فروکاستن فعالیت را به دلایل زیر نسبت داد:

۱. اختلاف بین فرهنگیان مخالف: ساواک متوجه می‌شود که فرهنگیان مخالف رژیم، با هم اختلاف دارند و از طریق نیروهای نفوذی، سعی در دامن زدن به این نزاع داشته و نتیجه این نفوذ، این است که نهایتاً در این دهه، فعالیت‌های فرهنگیان از هم می‌پاشد و رو به افول می‌نهد.

۲. انتقال اجباری یا تبعید فرهنگیان: مانند محمدپور: ساواک مدت‌ها بود برای آرامش بخشیدن به فضای مدارس انزلی، به دنبال انتقال محمدپور بود که سرانجام وی را به لاهیجان منتقل می‌کند و در صدد است تا با تبعید وی، سازماندهی فعالیت‌ها اختلال یافته و عملاً به نتیجه دلخواه می‌رسد و این فعالیت‌ها توقف می‌یابد.

۳. مهاجرت فرهنگیان: برخی از فرهنگیان تأثیر گذار هم‌چون پور گل برای ادامه تحصیل به شهرهای دیگر می‌روند و تا جایگزین شدن دیگران، در مبارزه وقفه‌ای ایجاد می‌گردد.

۴. با گسترش حوزه فعالیت فرهنگی هم‌چون عباس غله‌زاری که همراه با فدائیان اسلام به تأسیس مراکز بزرگ اسلامی در سراسر کشور می‌پردازند، از حضور مستمر این فعالان در شهر کاسته می‌شود.

در کنار این گروه‌های مرجع، برخی از فعالیت‌ها، از سوی گروه‌های دیگر نیز هدایت می‌شد که به دلیل کم‌اهمیت بودن، به صورت شاخص نبودند و نتوانستند جریان‌سازی نمایند. اما به هر حال طرفداران اندکی داشتند یا با حمایت رژیم فرصت فعالیت به آنان داده می‌شد. دهه ۴۰ با تمام فراز و فرودهایش به پایان رسید. این دهه آغازی بود بر شکل‌گیری تحركات مذهبی - سیاسی. البته بعضی از این تحركات دوام نیاورد (مثل فعالیت فرهنگیان) و بعضی‌ها شکل خود را تغییر دادند (مثل انجمن پیروان قرآن). اما در مجموع تجربه کار دهه ۴۰ باعث قوت فعالیت انقلابی در دهه ۵۰ و فضای شکل‌گیری انقلاب اسلامی و پیوستن مردم بندر انزلی به انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶ و پیروزی آن در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ شد.

